



آزادی در خطر خودسریهای مرتجعین است

سر مقاله

خطر اختناق جدی است

انحصار طلبان هر روز که میگذرد، عرصه را بر برخورد آزادانه اندیشه‌ها و فعالیتهای سیاسی نیروهای ترقیخواه تنگ تر می کنند. هر صدای آزادیخواه - اهانه ای، هر ندای حق طلبانه ای را به اتهام اختلالگری و کفر و... در نطفه خفه می کنند. با استفاده از ناآگاهی و بی خبری کسانی که طی سالیان دراز دیکتاتوری و خفقان از تحصیل و فعالیت های سیاسی محروم بوده اند و از آنچه در ایران و جهان می گذشت کمتر اطلاع پیدا کرده اند، با سوء استفاده از احساسات ملی و دینی توده ها می خواهند راه را بر هر عقیده ترقیخواهانه ای ببندند، از برخورد عقاید و نظرات مخالف که سرچشمه حرکت و خلاقیت انسان است جلوگیری و خشم و نفرتی را که توده ها زیر فشار شدید استعمار و اختناق دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم ذخیره کرده اند، در جهت سرکوب عقاید و اندیشه ها ورشد گرایشهای قشری برتری طلبانه و سلطه جویانه به کار گیرند. در یک کلام می خواهند از خشم انقلابی مردم در جهت حفظ منافع امپریالیسم استفاده کنند.

اگر انحصار طلبان بتوانند با استفاده از ناآگاهی برخی از مردم و سوء استفاده از احساسات ملی و مذهبی آنها گرایشهای انحصار طلبانه و برتری جویانه را رشد دهند، چه بسا در ایجاد نوعی اختناق فاشیستی موفق شوند. به گواه تاریخ فاشیسم، صهیونیسم و هرگونه گرایش نژاد پرستانه باسلطه جویانه بر ناآگاهی و سوء استفاده از احساسات ملی و مذهبی توده ها تکیه دارد.

به صهیونیسم بنگریم:

صهیونیسم در خدمت چه کسانی است؟ همه می دانند که صهیونیسم در خدمت امپریالیسم قرار دارد و حافظ منافع جیالوگران و زردان جهانخواه است. صهیونیسم چگونه رشد کرده است؟ دقیقاً با استفاده از احساسات مذهبی و قومی توده های یهود. سردمداران صهیونیسم، با خام ها تکیه بر سرپرستی امپریالیسم را بعهده داشتند و دارند، توده های یهود را با کلمات فریبنده و با تفسیر و تاویل سخنان موسی فریفته و برای زندگی بهتر به ارض موعود یعنی سرزمین فلسطین دعوت کرده و می کنند. راستی آیا زندگی توده های یهود که سالهاست زیر لوای صهیونیسم به آلت دست امپریالیسم بدل شده اند، بهتر شده است؟ همه می دانند که توده های یهود هر روز زندگی فلاکت بارتری هم می زنند، اما سرمایه داران بزرگی که در پناه دین یهود سنگر گرفته اند و صهیونیسم را صرفاً برای حفظ منافع بی حساب خود علم کرده اند و به بهانه دفاع از یهودیت میلیونها یهودی را بر علیه خلقهای منطقه بسیج کرده اند، هر روز بر استثمار و غارت خلقهای منطقه به ویژه خلق فلسطین می افزایند.

طبیعی است که اگر خلقهای محروم خاورمیانه صرف نظر از اختلافات دینی، قومی و عقیدتی خود با هم متحد شوند، اگر مسلمانان، مسیحیان کمونیستها و غیره متحداً با دشمن به مبارزه برخیزند، دمار از روزگار صهیونیسم، امپریالیسم و همه سرمایه داران بزرگ جهانی در خواهند آورد. بنابراین امپریالیسم باید توده های مسلمان، مسیحی، یهودی و کمونیست را به جان هم اندازد تا منافع خود را حفظ کند.

کوشش امپریالیسم و صهیونیسم در انحراف مبارزات ضد امپریالیستی مردم لبنان، دامن زدن به اختلافات دینی و عقیدتی مردم، رشد دست راستیهای افراطی (فالانژها) که سبب تجزیه کشور کوچکی چون لبنان شده است، نمونه بارز دیگری است که باید مایه عبرت ما شود.

بدون تردید بسیاری از جوانان تحریک شده مانعی دانند که با حمله به نیروهای سیاسی و بارش و گسترش انحصار طلبی به منافع چه کسانی خدمت می کنند. بسیاری از آنها ساده لوحانه باور دارند که خدمتگزار خلق اند. اما افسوس که به آلت دست امپریالیسم بدل شده اند و اعمالشان بقیه در صفحه ۲

به دنبال حملاتی که از طرف عناصر مرتجع و ناآگاه در نقاط مختلف به دفتر سیاسی سازمان شده بود، روز جمعه ۳۱ فروردین ماه بار دیگر گروهی از افراد ناآگاه که توسط عده ای عناصر مشکوک تحریک گردیده بودند به دفتر سیاسی سازمان ما در آبادان حمله ور شده و ضمن درهم شکستن وسائل آن از منات انقلابی رفقای ما سوء استفاده کرده و آنها را مورد ضرب و جرح قرار داده دستگیر می کنند. هم اکنون رفقای ما که بدون هیچگونه دلیلی مورد شکنجه قرار گرفته اند، هنوز در زندان به سر می برند و بخاطر اعتراض به این اعمال دست به اعتصاب غذا زده اند. عجیب است که تاکنون مسئولین امر در مقابل این حرکات خود سرانه سکوت اختیار کرده اند.

هم میهنان! اختناق و فشار میباید دوباره فضای میهن ما را بپوشاند، انحصار طلبان، کومه بینان، آنان که ناآگاهانه و خود سرانه به سوء استفاده از احساسات پاک مردم می پردازند، کسانی که با دسیسه چینی و نفی مبارزات انقلابیون راستین می خواهند به زور

برای خود در انقلاب خلق حاشی باز کنند، چه خیالی در می بینند و چه در واقعیت؟ اگر استدلال و منطق مزدورانی که به دفتر سیاسی سازمانهای مترقی، در آبادان یا در اهواز حمله می کنند، انقلابیون را مورد ضرب و جرح قرار می دهند و این مراکز را ناجوانمردانه به آتش می کشند و صندوق آن راه سرقت می برند، این است که بازباشیوه های "آرنا مهری" راه ورسم زندگی مردم را تعیین کنند و مفر کوچکشان نمی تواند تنوع عقاید و خواستهای آزادیخواه مردم سرچشمه می گرد بینند. ما آنها را با این اعمال خشنوت آمیز و ضد انقلابی به قضاوت مردم می گذاریم و اخطار می کنیم که منات انقلابی ما قابل سوء استفاده نیست.

هموطنان، همان دستهایی که فحاح جناب بار کردستان گنبدونفده راه وجود آورد در تمام گوشه و کنار این مرز و بوم دسیسه مشغول است و اگر هوشیاری انقلابیون راستین نباشد چه بسا بقیه در صفحه ۱۲

دشمنان خلق و عوامل ارتجاع و سرپرندگان بیگانه توطئه ای را که همواره در خیال تدارک آن بودند سرانجام در "گنبد" به اجرا درآوردند. آنها ضمن کشتار مردم و ایجاد اغتشاش و برادر کشی و جنگ داخلی، سازمانهای مبارز و انقلابی را مسئول حوادث معرفی کردند و دست به تحریکات وسیعی علیه سازمان چریکهای فدائی خلق زدند.

شکل مفروضه انعکاس این اخبار در ارگانهای تبلیغاتی نیز به عوامل ارتجاعی کمک کرد تا هر چه بیشتر از احساسات پاک مذهبی جوانان و پاسداری از انقلاب در سراسر کشور استفاده کنند و به نام مقابله با تحریکات کمونیستها آنها را برای جنگ با بورداران ترکمن بسیج کنند. اما از آنجا که حقیقت برای همیشه پنهان نمی ماند و سرانجام چهره خود را نشان می دهد، گزارشها و یک سازمانها و انجمنهای مترقی از وقایع گنبد تهیه کردند و روشن کردند که محرکین و مسئولین واقعی حوادث گنبد چه کسانی بوده اند و اتهاماتی که علیه سازمان چریکهای فدائی خلق عنوان می شد تا چه حدی اساس بوده است.

با آشکار شدن حقایق، ما مطمئن داریم که این توطئه گستران در آینده دیگر نخواهند توانست به سادگی خلق آگاه و هشیار ما را فریب دهند و مردم ما را علیه سازمانهای انقلابی تحریک کنند. در این جاما بخش هایی از گزارشها و اظهار نظرها این گروهها و افراد مترقی و شاهدان عینی حوادث را نقل می کنیم:

گزارشی بدست ما رسیده است از یک رفیق کارگر، بانثری بسیار ساده و دل نشین. وی پس از بیان مختصری از شرح حال خود، به مسئله اصلی یعنی شورا پرداخته است و نحوه ایجاد آن را در کارخانه "پارس مینو" به رشته تحریر درآورده است. رفیق با آنکه از آگاهی نسبتاً بالایی برخوردار بوده است و به بسیاری از ظرایف و نکات دقیق حرکت آشنابوده است و آنها را منعکس کرده است، اما... از همان آغاز دچار تناقض-

گوییهای مکرر شده و بالاخره هم نتوانسته است از زیر این نحوه تفکر بگریزد، که به مبارزه اقتصادی کارگران در همه حال ارزش بسیار زیادی می دهد و همواره آن را پایه مبارزه سیاسی میدانند. بطوریکه گویا کارگران هرگز نمیتوانند تحت هیچ شرایطی از همان آغاز مبارزه سیاسی را شروع کنند و حکمی صادر می کند که به هیچ وجه منطقی نیست.

بگذارید مسئله را کمی بیشتر باز بقیه در صفحه ۸

گزارشی بدست ما رسیده است از یک رفیق کارگر، بانثری بسیار ساده و دل نشین. وی پس از بیان مختصری از شرح حال خود، به مسئله اصلی یعنی شورا پرداخته است و نحوه ایجاد آن را در کارخانه "پارس مینو" به رشته تحریر درآورده است. رفیق با آنکه از آگاهی نسبتاً بالایی برخوردار بوده است و به بسیاری از ظرایف و نکات دقیق حرکت آشنابوده است و آنها را منعکس کرده است، اما... از همان آغاز دچار تناقض-

در موقعیت کنونی ترور اشخاص فقط به سود ضد انقلاب است

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اعتقاد دارد که در شرایط کنونی جامعه ما، ترور های فردی به دشواریها و نابسامانیها می افزاید و خطر هرج و مرج را که متأسفانه مدام از جانب عناصر ضد انقلاب دامن زده می شود افزایش می دهد. در این شرایط ترور افراد فقط می تواند دست دشمنان انقلاب را در اجرای مقاصدشان باز گذارد. معتقدیم که در اوضاع و احوال کنونی، افراد و گروهها به هیچ وجه نباید به خود اجازه مجازات شخص یا اشخاصی به زعم آنها مجرم و گناهکارند، بدهند. بلکه باید در امر بررسی سوابق و دستگیری متهمین و مجرمین که تحت تعقیب اند به دادگستری و دادگاههای انقلاب کمک کنند. ما ترور را از جانب هر گروهی و نسبت به هر مقامی محکوم می کنیم.

۱۳۵۸/۲/۴

گفتاری بمناسبت یکصد و نهمین

سالروز تولد لنین

صفحه ۱۰۹۹

در این شماره	صفحه
کارگران سخن می گویند	۲۰۰۰۰۰۰۰
برسمیت شناختن حقوق خلقها	۲۰۰۰۰۰۰۰
ضد انقلاب نمی تواند	۳۰۰۰۰۰۰۰
ادبیات کارگری	۴۰۰۰۰۰۰۰
نقدی بر یک شورای کارگری	۵۰۰۰۰۰۰۰
اخبار شهر و روستا	۷۰۶۰۰۰۰۰
اخبار کارگری	۷۰۰۰۰۰۰۰
لنین، بزرگ آموزگار کارگران	۱۰۹۹۰۰۰۰۰
اخبار خارجی	۱۰۰۰۰۰۰۰۰
نرباره حزب طبقه کارگر	۱۲۰۰۰۰۰۰۰
تفاوت ارتش ملی با ارتش شاهنشاهی	۱۲۰۰۰۰۰۰۰

نقدی بر یک شورای کارگری

گوییهای مکرر شده و بالاخره هم نتوانسته است از زیر این نحوه تفکر بگریزد، که به مبارزه اقتصادی کارگران در همه حال ارزش بسیار زیادی می دهد و همواره آن را پایه مبارزه سیاسی میدانند. بطوریکه گویا کارگران هرگز نمیتوانند تحت هیچ شرایطی از همان آغاز مبارزه سیاسی را شروع کنند و حکمی صادر می کند که به هیچ وجه منطقی نیست.

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

برسمیت شناختن حقوق خلقهای ایران ضامن وحدت ملی است

تجزیه طلبانه در بین خلقهای تحت ستم وجود آید. و در این وضعیت است که نیروهای ضد خلقی و امپریالیستها شروع به سوء استفاده کرده و کوشش می کنند از آب گل آلود ماهی بگیرند. شاهد مثال، در این باره، حرکات ملا مصطفی بازرانی در عراق بود که دیدیم چگونه اعمالش به ضرر خلق کرد تمام شد. در این میان وظیفه ای در مقابل نیروهای انقلابی قرار دارد. این است که با هر گرایش تجزیه طلبانه مبارزه کرده و ضمن محکوم کردن شوینسم دولت حاکم خواستار تساوی حقوق تمام خلقها باشد. در همین رابطه است که می بینیم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از همین رفتن شروع ستم ملی در ایران را خواستار شده و در برنامه حداقل خود اجرا مفاد زیر را از دولت موقت طلب کرده است: "تأمین و نه رسمیت شناختن آزادیهای فرهنگی و بومی همه خلقهای ایران. آنها باید آزاد باشند خود شیوه زندگی خصوصی و اجتماعی خود را انتخاب کنند. هرگونه تبعیضی در این زمینه محکوم شود. در ایران آزاد و دمکراتیک مردم باید آزاد باشند با مذهب خود، با زبان خود و با فرهنگ ملی خود زندگی کنند."

آنچه در این برنامه بیان شده است آزادی خلقهای ایران برای انتخاب شیوه زندگی و سرنوشت خود است. خلقهای زحمتکش ما که در جنبش شکوهمند ضد استبدادی و ضد امپریالیستی اخیر هزاران قربانی داده اند بدرستی و از گونی رژیم شاه را به مفهوم نابودی کامل سلطه امپریالیسم و تمام مظاهر ضد دمکراتیک آن دانسته و خواستار آنند که انقلاب تاپروزی نهایی ادامه یابد. به همین جهت معتقدند که حقوق ملی و دمکراتیک خلقهای ایران باید به رسمیت شناخته شود.

آنها باید بتوانند در چهارچوب ایرانی آزاد و دمکراتیک بر سرنوشت خود مسلط باشند. این امر به مفهوم آنست که رشد اقتصاد ملی خلقها تضمین شود. کارمندان محلی از خود آنها باشد، تکلم بزبان مادری آنها باشد، نوجوانان بزبان مادری درس بخوانند، طبع کتب و روزنامه به زبان محلی آزاد باشد، زبان و مذهب آنها به رسمیت شناخته شود، پرسنل شهربانی و ارتش در محل از افراد محلی گرفته شود. خلقها قادر باشند در تقسیم بودجه مملکتی دخالت نمایند و مصرف بودجه اختصاص هر منطقه در اختیار دولت محلی خود مختار باشد. یک مجلس ملی خود مختار و وظیفه دار تدوین قوانین محلی باشد، بدیهی است که از نظر سیاست خارجی همه تشکیلات کل ارتش به اعلام جنگ و صلح بقیه در صفحه ۱۱

این خلقها توجه نشده است. مرتجع ترین آنها که اغلب فاقد خصلت ملی بودند و با رژیم حاکم سازش کرده بودند، بر ضد خلق بکار گرفته می شدند در فرماندهی ارتش و حتی در صفوف افسران ندرتا از عناصر این مائیتا دیده شده است.

در مورد ستم فرهنگی باید گفته شود که این ستم به تمام خلقهای غیر فارس اعمال شده است. زبان ملی این خلقها، امکان گسترش و فعالیت آزاد ندارد. خواندن و نوشتن بزبان مادری ممنوع است. این امر نتایج بسیار وخیمی به ضرر خلقهای تحت ستم به بار آورده است. این نتایج عبارتند از:

بیسوادی اکثریت وسیعی از اهالی این خلقها، نداشتن کادری متخصص و کمبود افراد تحصیل کرده و در نتیجه محرومیت از استخدام در ادارات دولتی. این عقب ماندگی اجتماعی موجب روی آوردن اجباری توده های وسیعی از افراد این خلقها به کارهای سخت پیدی و ایجاد اردوئی از کارگران غیر ماهر را موجب شده است. در مورد کردها، بلوچ ها و ترکمن ها و عربها ستم مذهبی نیز به این ستمها اضافه می شود. شک نیست که وحدت بین تمام خلقهای ایران خواست هر ایرانی شریف و وطن دوستی است، اما بحث بر سر این است که این وحدت باید پایدار چگونه تأمین می شود؟ بنظر ما حفظ وحدت بین خلقهای ایران با رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت این خلقها میسر است. این را تنها موقعی میتوان انتظار داشت که خلقهای ستمکش ایران در کمال صمیمیت و بدون سوء ظن در کنار سایر هموطنان خود زندگی کنند و احساس کنند هیچگونه ستمی اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی به آنها روا نمی شود.

در مقابل این برخورد علمی و راه حلو واقع بینانه به مسئله، یک دید ناسیونالیستی افراطی (شوینستی) وجود دارد و متأسفانه هنوز هم ما ناظر آن هستیم که می خواهد واقعیت خلقهای ایران را نادیده گرفته و حقوق آنها را اعمال کند. این دید ناسیونالیستی افراطی (شوینستی) که در گذشته در رژیم فاشیستی شاه متبلور بود هرگونه خواست ملی خلقهای ایران را با قدرت زور و سرنیزه و تانک و توپ سرکوب می کرد. هم اکنون هم در کمال تعجب چنین تمایلاتی مشاهده می شود و تحمیل جنگ ناخواسته اخیر به مردم سنج و ترکمن صحرا که منجر به شهادت دهها نفر گردید نمونه هائی از این تمایل شوینستی است. تاریخ ایران و جهان ثابت کرده است که این شیوه هانه تنها نتوانسته است تمایلات ملی را خاموش سازد بلکه در مواردی موجب گردیده که تمایلات

کشور ما از خلقهای متعددی تشکیل شده است. کردها، بلوچها، ترکها، عربها فارسها و سایر گروههای بومی طوسی قریباً در کنار هم زندگی کرده اند. در شرایطی که نظام خان خانی در ایران حاکم بود خوانین این خلقها در منطقه خود حاکمیت داشتند. در این زمان رابطه دربار و دستگاه سلطنت با این خلقها به معنی اعمال ستم ملی که در زمان کنونی بعلت استقرار روابط سرمایه داری وابسته عملی می شود، نبود. عقب ماندگی جامعه در سطح تمام کشور، بعنوان ارزش مرکزی، محدودیت فرهنگ و ضعف آموزشی و فقدان یک دستگاه اداری متمرکز (مقتدر) که همه از خصوصیات جامعه فئودالی بود مانع اعمال ستم ملی بشکل کنونی آن می شد. با پدیدایش سرمایه داری و بخصوص از آغاز دوران حکومت ننگین پهلوی و تسلط بیش از پیش امپریالیسم در ایران به تدریج عوامل فشار بر خلقها ایجاد شد و به مرور افزایش یافت. علت این امر در ماهیت رژیم رضاخان نهفته بود که می خواست سیستم اقتصاد متمرکز سرمایه داری وابسته به امپریالیسم انگلستان را در کنار ستم فئودالی ایجاد کند. در طول بیش از نیم قرن گذشته بعلت سلطه امپریالیسم و رژیمهای دست نشانده اش، همه مردم ایران، استثمار خارجی را متحمل شدند. اما در این میان خلقهای تحت ستم ایران، علاوه بر آن با ستم ملی رانیز به دوش کشیدند. بطور کلی ستم ملی که بر خلقهای تحت ستم ایران اعمال می شود به اشکال مختلف و شامل ستم های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی است. ستم اقتصادی در مورد خلقهای کرد، ترکمن، بلوچ و عرب اعمال می شود. این خلقها در مجموع در عقب ماندگی نسبی اقتصادی و اجتماعی پیوسته می برند. صنعت یا در آنها رشد چندانی نکرده (چون بلوچستان و ترکمن صحرا) و با مانند کردستان از رشد ضعیفی برخوردار بوده است. سرمایه های محلی عمدتاً متعلق به سرمایه داران وابسته به دولت مرکزی هستند. منابع مهم طبیعی توسط امپریالیستهای غارتگر، عوامل رژیم های سابق در سار و سرمایه داران وابسته مورد استعاده قرار می گیرد و سطح زندگی و درآمد سرانه در میان این خلقها در مجموع به نحو قابل ملاحظه ای پایین است.

در زمینه ستم سیاسی، رژیم حاکم در ۶ سال گذشته یعنی خاندان منغور و وابسته امپریالیسم پهلوی هیچ گونه حقی از نظر اداره امور سیاسی مملکت به خلقهای تحت ستم ایران نداده اند. بیشتر حکام اداری و نظامی محلی از افراد ملیهای غیر بومی برگزیده می شدند. تاکنون جز برای ظاهر سازی، بفرجال اجتماعی و سیاسی

کارگران سخن میگویند... اول ماه مه را به بهانه عروسی های ساختگی برگزار می کردیم

من یک کارگر قدیمی هستم. سالان دراز، روز اول ماه مه را مخفیانه برگزار کردیم. قبلاً نمی گذاشتند این روز را جشن بگیریم. ما موران مخفی وقتی می بردند که بعضی از کارگران می خواهند این روز را جشن بگیرند، می آمدند و آنها را می گرفتند. چند روز در زندان نگه میداشتند، بعد از گذشتن این روز آزادشان می کردند.

ما سالهای خیلی پیش به هر بهانه ای شده، به بهانه عروسی های ساختگی و غیره این روز را جشن می گرفتیم. سال این روز را با یک هزینه می توانیم باشکوه تر برگزار کنیم. یکوری چشم آنهاست که نمی گذاشتند کارگران همسنگی خودشان را نشان بدهند، یکوری چشم آنهاست که از اتحاد و شکل کارگران وحشت داشتند.

خواسته همه کارگران جهان یکی است. همه کارگران جهان می خواهند که دنیای بهتری بسازند. همه کارگران جهان می خواهند که زور و ستم از میان برود. من هم می خواهم که در دنیای زندگی کنم که زور و ستم هیچوقت گرسنه نشاند، هیچ ام درس بخواند، چیز یاد بگیرد تا مشغول من زور نشود. من هم می خواهم برای ساختن دنیای بهتر و به امید روزی که همه با هم برادر باشیم. روز اول ماه مه را در کنار همه کارگران ایران و جهان جشن بگیریم. شما خوانها یادتان نمی آید. من به یاد دارم اول سالی که جشن ماه مه را گرفتیم سی و سه سال پیش بود. میدان توپخانه و خیابان فردوسی پر از جمعیت بود. سوزن می انداختی یاشین نمی رفت از طرف سازمان بین المللی کارگران دنیا هم نماینده آمده بود. آنروز برای اولین بار در زندگی ما اتفاق قدرت کارگر را دیدم.

من کارگر تراشکارم. من احساس می کنم که روز اول ماه مه روزیست که هیچ کاری احساس تنهایی نمی کند. روزیست که قدرت واقعی خود را بهتر می شناسد. می فهمد سالیکه درد بسیار دارد ولی برادران بسیار هم دارد که از پشتبانی می کنند. برادران دیگرش در سراسر دنیا با او همصدا هستند.

برای ما کارگران روز اول ماه مه خیلی معنی دارد. خیلی سالهاست که او را می شناسیم. خیلی سالهاست که برای رسمیتش تلاش می کنیم. در چند سال گذشته اغلب یکی از خواستهای کارگران توی اعتصاباتشون، توی تظاهراتشون این بوده که اول ماه مه تو ایران به رسمیت شناخته بشه. خوب بادم هست که کارگران شرکت نفت خیلی رو این مسئله کار کردن. خوب بالاخره هم همین فشارها بود که دولت ناچار شد از چند سال پیش روی کاغذ هم که شده اول ماه مه را رسمیت شناسد.

اول ماه مه که برابر ۱۱ اردیبهشت است روز همسنگی تمام زحمتکشان جهان است. در این روز همه کارگران، از هر رنگ و نژادی، از هر ملتی، در پنج قاره جهان، بخاطر اینکه در دهمدیگر را می فهمند، بخاطر اینکه همه کارگر هستند، همسنگی خودشان را با برگزاری جشنها، راهپیمایی ها و تظاهرات نشان می دهند.

خطر اختناق...

درست در جهت دشمنی با آرمانها و نیازهای خلق است. اگر مردم مبارز ماهیاری خود را حفظ کنند، اگر مظهرات مادر برابر تهدیدهای عوامل اختناق سنگرهای خود را نگهدارند و موش دروغ پردازان و توطئه گران را باز کنند، اگر روحانیت مترقی راه را بر عناصر مرتجع و دست راستی ببندد، اگر آزادیخواهان به حمایت از دموکراسی و آزادی واقعی انسان برخیزند و در برابر تهدیدات و تمهیدات قشربون انحصار طلب مرعوب نشوند، اگر نیروهای ترقیخواه لزوم همکاری و همسنگی هر چه بیشتر خود را در برابر یورش لگام گسیخته دیکتاتوری و اختناق ببینند، اگر هریک از ما افشای توطئه های امپریالیسم و روشن ساختن اذهان همسایگان را به عنوان وظیفه مبرم خویش تلقی کنیم و این وظیفه را در هر فرصت ممکن با شکیبایی تمام انجام دهیم، بعید است که اختناق بتواند همه دستاوردهای انقلاب را از میان بردارد و دوباره بر فضای ایران زمین حکمفرما شود.

هموطنان مبارز
پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را بآدرس
زیر ارسال نمائید:
تهران - خیابان بلوار - خیابان فدائی (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
تلفن: ۶۵۹۹۹۹



ضد انقلاب نمی تواند کارگران را از مبارزه و تشکل بازدارد

موج سکاری سراسر ایران رافراگرفته است . کارگران بیکار آبادان نیز همانند کارگران بیکار سایر شهرها که یک عمر تحت ستم و استعمار سرمایه داران قرار داشته اند ، بدنبال مبارزات اخیر حلقه ما و فرماندهی از سرمایه داران وابسته و خارجی و نیز تعطیل شدن باره ای از کارخانه ها و موسسات دیگر بیکار شدند . این موج بیکاری مدام افزایش یافت پس از آنکه مدتی از سرنگویی رژیم شاه خائن گذشت و هیچگونه اقدام حادی توسط دولت جدید در جهت حل مشکلات کارگران از جمله بیکاری صورت نگرفت . کارگران بیکار که زندگی خود و خانواده شان را در معرض تهدید و نابودی می دیدند مبارزات و اعتراضات گسترده ای را آغاز کردند . مبارزات پیگیر کارگران پروژه های (ساسی) و فصلی در آبادان و تکمیل سدیکای واقعی علی رغم کارشکنی ها ، - ناعه برنازها و احلالگرهای سرمایه داران وابسته و عناصر ضد کارگری و عده ناآگاه هرب خورده ، جلوه ای دیگر از اس مبارزات و بیانگر رشد مکرر کارگران و پیگیری و فاطمیت آنها در جهت تشکل است . آنها برای رسیدن به حقوق خود بعنوان اولین گام مباردت به تشکل سدیکای مشترک کارگران پیمانی و فصلی کردند . در آغاز هفت نعره به عنوان شورای موسس انتخاب شدند . کارگران موافقت محلی را برای ثبت نام در نظر گرفتند و علی رغم اقدامات نفاق افکنانه و ضد کارگری عده ای از عناصر مرتجع و ارجحله باره کردن اوراق ثبت نام و دستگیری چند نفر از کارگران ، به فعالیت خود ادامه دادند و سرانجام توانستند محل سدیکای سابق شرکت نفت را بعنوان محل سدیکای خود در اختیار گیرند . سپس اساسنامه سدیکادر ۲۵ ماده تنظیم شد . اساسنامه علی رغم نقاط ضعفی که بیشتر جنبه اجرائی می

دارند نکات اصلی یک اساسنامه کارگری را داراست .
در ماده ۴ این اساسنامه هدف و وظایف سدیکا به شرح زیر توضیح داده شده است :
الف - تامین کار و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی کارگران عضو .
ب - تلاش در راه ایجاد اتحادیه کارگران پروژه ای و فدراسیون کارگران ایران .
ج - بالا بردن سطح دانش و آگاهی حرفه ای و اجتماعی کارگران عضو از طریق انتشار خبرنامه و نشریات کارگری ، عایش فیلم ، سخنرانی ، ایجاد کتابخانه و باشگاههای فرهنگی و ورزشی و گردشهای دسته جمعی علمی .
د - ایجاد تشکلات سازمانهای حسی که منظور رسیدن به هدفهای بند الف ضروری تشخیص داده می شود .
از قبیل ایجاد صندوقهای اعتصاب ، کمک و تعاونی کارگران .
سدیکای کارگران پروژه ای (پیمانی) طی یک اعلامیه جداگانه اهداف اقتصادی و اجتماعی خود را بطور مفصل در ۲۵ مورد اعلام و منتشر کرد . در این اعلامیه به مهمترین خواسته های صنفی کارگران پروژه ای در شرایط کنونی که خواسته تقریباً تمامی کارگران است اشاره شده است .
به سه نفر از نمایندگان کارگران ماموریت داده شد که برای طرح خواستههایشان با اداره کار تماس بگیرند . اما مسئولین اداره کار به آنها حواص سربالا دادند و به این بهانه که " سدیکای شما فلابی است " خواسته های آنها رسیدگی نکردند .
کارگران از این شیوه برخورد اداره کار که سدیکای واقعی کارگران را که به دست خودشان تشکیل شده بود و چهار ده هزار عضو داشت غیر واقعی می خواند

شدت عصبانی شد و به اس اعتراض کرد .
در این ضمن اقدامات خریک آمیز دیگری نیز بر علیه کارگران آغاز شد . از جمله عده ای از مامورین کمیته سدیکارفته و شروع به شلمع علیه سدیکا کردند . اما کارگران با برخورد های درست خود تحریکات عناصر مذکور را خستی کردند . مقارن با این وقایع سدیکا به منظور دفاع از حقوق اعضای زحمتکش خود اعلامیه ای انتشار داد که در آن ضمن هشدار به کارفرمایان و مفا طعه کاران گفته شده بود :
" ما کارگران پروژه ای آبادان که سالها زیر ستم ، استعمار و غارتگرهای کارفرمایان داخلی و خارجی بوده ایم قاطعانه اعلام می کنیم :
۱- کارفرمایان و مفاطعه کاران را حق استخدام هیچ کارگری رادرن آینده ندارند .
۲- منبعت استخدام کارگران در حرفه های گوناگون پروژه ای می بایست از طریق سدیکا انجام گیرد .
کارگران با این هشدار خودشان دادند که مامورین گرفتن از گذشته که کارفرمایان حقوق کارگران را بکل می پامال می کردند ، این بار تصمیم گرفته اند بطور متشکل و جمعی برخورد کنند .
طبیعی است که اقدامات قاطعانه کارگران نمی توانست از جانب سرمایه داران و عوامل امپریالیسم بی حواس گذاشته شود . بنا بر این آنها کوشش کردند که بطریق مختلف ارجحله اعمال نفوذ در کمیته ها در برابر این سدیکا ایستادگی کنند ، ناحاشی که کمیته عملا خود را در برابر سدیکا فرار داد . روز سه شنبه هیجدهم فروردین در سراسر شهر اعلامیه ای از طرف مرجع نوظهوری به نام " اتحادیه کارگران " و " کانون

تحصیل کرده ها " پخش شد که کارگران را دعوت به گرفتن وام بیکاری در مسجد سپهسالار کرد و همزمان با آن هیئتیی از اداره کار اسنان خوزستان به محد آمدند . کارگران به منظور احتیاج از درگیری و بروز مسائل ناخواسته با فرماندار تماس گرفتند . اما در حالی که مذاکرات با فرماندار در دادستان ادامه داشت ، عده ای افراد تحریک شده در جلو فرمانداری ازدحام کردند و سپس بکارگری که مشغول مذاکره با فرماندار بود حمله ور شدند و او را زخمی کردند و در حضور دادستان و فرماندار آبادان بکفر از کارگران را با جاقو محروم کردند و دست و دندان دو کارگر را شکستند بلا فاصله افرادی از کمیته اسلامی آمدند و علی محمدی و ذغالی نامی که از مسئولین کمیته بودند شروع به تهدید عده ای از کارگران کردند که تمام این وقایع از طرف کارگران صورت مجلس شده و به امضا فرماندار و دادستان نیز رسیده است . این وقایع نشان می دهد که عناصر مرتجع ضد کارگری ، امپریالیستها و سرمایه داران وابسته به آنها می کوشند از طریق نفوذ در کمیته ها به مقابله با کارگران برخیزند . کارگران در برابر این اقدامات خود سرانه و وحشیانه دست به تحمض زدند و پس از یک هفته تحصص و محکوم کردن اعمال ضد کارگری در یک نامه سرگشاده خطاب به زحمتکشان ایران درخواستهای خود را بدین شرح اعلام کردند :

- ۱- مجازات عاملین نوظه از پیش طرح شده در فرمانداری به تحریک و سرکردگی علی محمدی و ذغالی .
- ۲- تکذیب خبر اعلام شده از رادیو نفت ملی مبنی بر ضد انقلاب بودن کارگران پروژه ای و اعاده حیثیت از طریق رادیو و تلویزیون .

۳- به رسمیت شناختن سدیکای واقعی کارگران پروژه ای از طرف وزارت کار و امور اجتماعی .
۴- انحلال اتحادیه فلابی به اسم معقول و من در آوردی اتحادیه کارگران و تحصیل کرده هادر مسجد پیمانیها .
۵- پرداخت فوری حقوق بیکاری نه وام بیکاری - تامین کار برای کارگران اخراجی و بیکار عضو از طریق سدیکای کارگران پروژه ای .
۶- کارفرمایان حق استخدام هیچ کارگری راندارند مگر از طریق سدیکای کارگران پروژه ای .
طرح خواستههای طرح کارگران اقدام متشکل آنها برای تحقق خواستهها نشان سان می دهد که کارگران اکنون بی برده اند که قدرت واقعی در انجاد و تشکل نهفته است . کارگران بدون اتحاد و تشکل نمی توانند به حقوق خود دست یابند و این امر هزاران بار به تجربه ثابت شده است . اتحاد کارگران و تشکل آنها در سدیکاهای برای راه دست یابی به حقوق صنفی شان اولین تحلی اراده واحد کارگران در برابر کارفرماست . اما مبارزه طبقه کارگر نمی تواند به همین حاحتم شود . کارگران برای رسیدن به هدف اساسی خود یعنی واژگویی نظام سرمایه داری و برانداختن استعمار اسنان از انسان برای رهائی از زندگی پر مشقت و برده وار که از معان جامعه سرمایه داری برای کارگران است باید در حرب سیاسی خود یعنی حرات طراز نوبن طبقه کارگر متشکل شوند . باشد که وحدت همه زحمتکشان و پیشاپیش آنها طبقه کارگر بنیان تسلط امپریالیسم و ارتجاع داخلی را بریشه کن سازد و جامعه نوینی را بسازد .

مبارزه کارگران قالی باف علیه قدری صاحب کارگاه

وقتی امام توانسته شاه را بیرون کند باید بتواند به من پول بدهد تا من کارخانه را باز کنم . نماینده امام در تبریز به کارگران گفته است که ما نمی دانیم باحالی کیما چه بکنیم ؟
کارگران قالیبافی کیما تاکنون از مذاکرات خود نتیجه ای نگرفته اند و هیچ یک از قولهایی که به آنها داده شده به مرحله اجرا در نیامده است . آنها تصمیم دارند با اقدامات قاطع به متکل بیکاری خود و تعطیل کارخانه خاتمه دهند .
گنبد - انتخابات سدیکای رانندگان و کمک رانندگان گنبد کاووس پس از ماه زات و تلاشهای بسیار ، در ۲۴ فروردین ماه برگزار شد . در این انتخابات هفت نفر برای مخفی به عنوان هیات نمایندگان سدیکا انتخاب شدند . در نخست

شریز - مبارزات دویت کارگر قالیباف کارخانه قالیبافی حاجی حمید کیما که ماههاست بیکار شده اند همچنان ادامه دارد . صاحب این کارخانه که از نیرومندان و متنفذین شریز است و چند کارخانه حوله بافی دارد به بهانه نداشت پول ، کارخانه را تعطیل کرده است . وی که رئیس کمیته مستقر در حایان صاحب است از نفوذ خود برای معالجه با کارگران استفاده می کند .
کارگران در اسفند سال گذشته در کارخانه متحصص می شوند و به آنها قول داده شد که از اوایل فروردین کارخانه شروع به کار خواهد کرد . با اینکه یکی از نمایندگان کارگران به قم رفته و دستوری برای باز کردن کارخانه آورده است ولی صاحب کارخانه حاضر به کشودن کارگاه نیست . حاجی کیما به صراحت می گوید :

انتخابات سدیکای رانندگان و کمک رانندگان گنبد برگزار شد

- ۱- ایجاد فروگاههای ابزار آلات ماشین و شرکتیهای تعاونی مصرف و صندوقهای وام .
- ۲- انحلال اداره کاریابی و ادغام آن در اداره کار و امور اجتماعی .
- ۳- ارتباط با سدیکاهای رانندگان و کارگران در سطح ایران .
- ۴- ایجاد کار برای رانندگان بیکار (در مرحله اول کارنویتی)
- ۵- نظارت بر کار گارازه ها و کارخانه دارها در رابطه با مسائل مربوط به رانندگان و حمل بار .
- ۶- دولت حق اعتصاب را به رسمیت بشناسد و قانونی اعلام کند .

چهارمین هفته تحصن کارگران میتوساک

تهران - کارگران کارخانه میتوساک که از ۱۶ فروردین در محل کارخانه متحصص شده اند برای رسیدن به خواستههای برحق خود همچنان به مبارزه ادامه می دهند . کارفرما تاکنون به خواستههای کارگران که بطور دسته جمعی اخراج شده اند توجه نکرده و برای چندتن از آنها پرونده سازی کرده است . کارگران اعلام داشته اند نارسیدن به خواستههای خود که بازگشت به کار و برخورداری از حقوق و جلوگیری از اقدامات صدامتلافی کارفرماست به تحصن ادامه می دهند . لازم به یاد آوری است که کارخانه میتوساک که ش و ماه تولید می کند از درآمد بسیار خوبی برخوردار است ولی کارفرما که قصد استعمار بیشتر و مقابله با خواستههای کارگران را دارد حاضر به بدیش کارگران اخراجی نیست

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران ، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی باید لغو شود

آیا همه رئالیست‌های انتقادی درباره سرمایه داری نظر واحدی داشتند؟

هیچوقت در طول تاریخ بشر هنرمندان و متفکران به اندازه دوران سرمایه داری از شرایط جامعه انتقاد نکرده اند. مثلا دوران فئودالیسم را در ایران در نظر بگیریم. تقریبا تمام شاعران وابسته به دربار شاهان و میسران بودند و در مدح آنها شعر می گفتند و همینطور بیشتر تاریخ نویس ها و نویسندگان ها از طبقه حاکمه و از وضع موجود دفاع می کردند. در دوران برده داری هم همینطور بود. مثلا در یونان کسانی مانند سقراط و افلاطون و ارسطو، از ارتجاعی ترین شکل برده داری یعنی از حکومت اشراف برده دار - حمایت می کردند. برده اصلا انسان به حساب نمی آمد و ارسطو می گفت: "برده کاملترین ابزار است".

اما در دوران سرمایه داری خیلی انگشت شمارند هنرمندان بزرگی که خواهند مثل "نیچه" فیلسوف و شاعر آلمانی (یعنی همان کسی که بعد از فاشیست ها و نازی ها از افکارش استفاده کردند) سرمایه داری را بطور کامل نائید کنند و از آن حمایت کنند. "نیچه" حتی سرمایه داران را نصیحت می کرد و می گفت: "چرا شما کارگر کرده شما شد دیگر نباید اورا مثل یک استاد آموزش بدهید و نباید اجازه فکر کردن به او بدهید".

قبلا گفتیم که از زمان استقرار سرمایه داری، بتدریج ماهیت واقعی آن هم آشکار شد. بورژوازی فقط برای آن روی "آزادی فردی" تکیه می کرد که بتواند آزادانه کارگران را استثمار کند. در چنین جامعه ای هر کس فقط به فکر منافع شخصی خودش است. قبلا هم تصور می شد که این موضوع اشکالی ایجاد نخواهد کرد ولی بعد کم کم معلوم شد که منافع افراد مختلف با هم تضاد دارد. اگر هر کس بخواد فقط به فکر خودش باشد محبور می شود ره در روی تبه فریبگیر دوبالاخره برای حفظ منافع خودش به هزار جور بیستی و حمله و ترویر و فساد تن در بدهد. آدمها اجبارا در چنین جامعه ای سنگدل، بی عاطفه و نسبت به سرنوشت یکدیگر بی تفاوت می شوند اینها از جمله مسائلی بود که با روی کار آمدن جامعه سرمایه داری به تدریج برای همه روشن شد و سبب شد که تقریبا همه هنرمندان بزرگ در برابر آن - عکس العمل نشان بدهند و از آن انتقاد کنند.

بعضی از این عکس العملها، چنانکه قبلا اشاره کردیم، غیر رئالیستی و ارتجاعی بود یعنی هنرمند کلی از جامعه سرخورده و دلزد شد و به واقعیت پشت کرد. اما هنرمندان رئالیست هم که به واقعیت وفادار ماندند و به تحلیل جامعه پرداختند، همه عکس العمل واحدی از خود نشان ندادند. همه آنها از بورژوازی و جامعه جدید انتقاد می کردند ولی هر کدام از دیدگاه خاص خودشان.

این هنرمندان رئالیست انتقادی را، که بعد از آشکار شدن تضادها و معایب و فساد جامعه سرمایه داری پیدا شدند و به انتقاد از آن پرداختند می توان به سه گروه عمده تقسیم کرد که در عین حال تکامل رئالیست انتقادی را نیز تا حدی نشان می دهد:

گروه اول، در همان اوایل استقرار جامعه سرمایه داری، فکری کردند که جامعه سرمایه داری بخاطر نقص هائی که دارد و روابط غیر انسانی که در آن هست باید سوز شود و دوباره همان جامعه فئودالی بسازد. یعنی آنها هنوز از اشراف زمیندار حمایت می کردند و می خواستند اشراف دوباره به قدرت برسند. آنها در آثارشان جامعه سابق و دنیای فئودالی و زندگی پاک و بی آلابی در روستا و روابط انسانی آن دوران را نشان می دادند و خواهان بازگشت به آن شکل از زندگی بودند. (طبیعی است کسانی از روستاهای دوران فئودالیسم خاطرات خوشی دارند که خودشان در بیابان در آفتاب داغ و سرمای سوزان بیل زده باشند و کار نکرده باشند). البته چون این هنرمندان رئالیست بودند و واقعیت جامعه را تحلیل می کردند، اغلبا از آثار خودشان می شد استنباط کرد که این بازگشت دیگر عملی نیست.

در ادبیات جدید ایران هم در کسانی مانند جلال آل احمد چنین گرایش هائی دیده می شود. البته جلال آل احمد صریحا از فئودال ها و اشراف حمایت نمی کرد، اما چون صنعت و تکنولوژی را یک چیز غربی و سر - چشمه همه معایب و مفاسد می دانست و تحت عنوان "غریبزدگی" با آن مخالفت و مبارزه می کرد، در نتیجه حاصل کارش می توانست تقویت بقایای فئودالیسم باشد (این مخالفت با صنعت و تکنولوژی سابقه طولانی دارد و ابتدا در غرب شروع شد. در کشورهای غربی هم عده ای همه معایب جامعه را بخاطر پیشرفت تکنولوژی می دانستند و در نتیجه شروع به مبارزه با "ماشینزیم" کردند. ولی مایه دانیم که صنعت و ماشینزیم خودی خود عیبی ندارد و اشکال در جامعه سرمایه داری است. در جامعه سرمایه داری - وقتی صنعت و ماشین پیشرفت می کند و تولید آسانتر و سریع تر می شود، به جای آنکه ساعات کار کارگران را کم کنند، کارگران اضافی را بیرون می کنند و مشکلات جدیدی به وجود می آورند). البته با این اشاره کوتاه نمی توان آثار جلال آل احمد را تحلیل کرد و جنبه های مثبت و منفی آنها را نشان

داد. در ضمن، مایه شما توصیه می کنیم که مقالات رفیق امیر پرویز یوبان (همسفری) را که به نام "بازگشت به ناکجا آباد" چاپ شده و درست در همین رابطه نوشته شده، مطالعه کنید.

و اما گروه دوم، کسانی بودند که سرمایه داری را، بخصوص از زمانی که بر فئودالیسم غلبه کرد و کاملا مستقر شد، بعنوان یک واقعیت پذیرفته بودند. آنها می دانستند که بازگشت به فئودالیسم دیگر معنادار و فقط می خواستند جامعه سرمایه داری را اصلاح کنند و معایب و نقایص آنرا برطرف کنند. البته هر کدام از آنها راه حل خاصی را برای اصلاح جامعه پیشنهاد می کردند. یک نفر معتقد بود که همه این معایب و مفاسد، نتیجه "آزادی فردی" و هرج و مرج و خودسری های ناشی از آن است، و بنابراین باید یک دیکتاتوری بوجود بیاید که آزادی های فردی را ضربه بزند و محدود کند. یک نفر می گفت این کار را کلیسا باید بکند و کلیسا باید مردم را رهبری و هدایت کند. دیگری می گفت باید از نیروی احساسات اخلاقی مردم استفاده کرد و با ارشاد مردم آنها را از فساد اخلاقی بورژوازی دور نگاه داشت. اما هیچکدام از آنها نمی توانستند راه درست را نشان بدهند چون نمی دانستند که سرچشمه اصلی تمام این فساد مالکیست خصوصی است.

در ادبیات ایران، بدلیل آنکه گرایش های مختلفی در هر مرحله از کار یک هنرمند دیده می شود، انگشت گذاشتن روی یک فرد خاص به عنوان نمونه این گروه مشکل است. مثلا صادق هدایت، در بعضی آثار خود کاملا از رئالیسم فاصله می گیرد و دور می شود و در آثار رئالیستی خودش هم گاهی مضمون و محتوای رئالیسم اولیه را کنار می گذرد و با سنت های قدیمی و خرافات مبارزه می کند (همان کاری که جمال زاده هم می کرد) و گاهی به رئالیسم انتقادی متکامل تر نزدیک می شود. نویسندگانی مانند بهرام صادقی نیز هر یک در بعضی از آثار خود به رئالیسم انتقادی نزدیک می شوند. سرانجام، گروه سوم، کسانی بودند که با قدرت گرفتن کارگران و اوج گرفتن مبارزات کارگری، به نیروی توده های بزرگ و بیدار افتادند که شاید به کمک توده های مردم و بخصوص کارگران بتوان بر فساد جامعه سرمایه داری غلبه کرد. مایه دانیم که مدت ها پیش از شکل گرفتن سوسیالیسم علمی بوسیله مارکس و انگلس، نوعی سوسیالیسم تخیلی وجود داشت. یعنی کسانی بودند که معتقد بودند همه مردم باید با هم برابر باشند، اما نمی توانستند راه درستی را برای رسیدن به این جامعه پیشنهاد کنند. البته هنوز جامعه هم آنقدر تکامل پیدا نکرده بود که آنها بتوانند با تحلیل واقعیت جامعه، راه صحیح را کشف کنند. تا وقتی عملا زمینه پیدایش چیزی وجود نداشته باشد، پیش بینی آن هم ممکن نیست. این هنرمندان رئالیست هم در آن دوره به درستی نمی دانستند که چگونه می توان به آن جامعه ایده آل رسید و راه آن چیست و حتی عده ای از آنها به سوسیالیسم اعتقاد نداشتند، اما چون رئالیست بودند و به واقعیت های جامعه توجه داشتند ناگزیر بودند که مسیر تکامل بعدی جامعه را هم در آن حدی که برای خودشان روشن بود، بطور واقعی توصیف کنند و نشان بدهند.

در اینجا بن سئوال ممکن است پیش بیاید که اگر این گروه در مواردی افکار سوسیالیستی هم داشتند یا لااقل این واقعیت را می پذیرفتند که جامعه سوسیالیستی می تواند راه حلی برای غلبه بر مشکلات و فساد جامعه سرمایه داری باشد، پس بین رئالیسم انتقادی و رئالیسم سوسیالیستی چه تفاوتی وجود دارد؟ و اصولا چه لزومی داشت که رئالیسم انتقادی به رئالیسم سوسیالیستی تبدیل شود؟ (چون ما قبلا گفته بودیم که رئالیسم سوسیالیستی عالیترین شکل رئالیسم و در واقع تنها شکل ادبیات کارگری است.) مادر شماره بعد این تفاوت ها را نشان خواهیم داد.

در هنرمندان، شاعران و نویسندگان ایرانی، از همان زمان انقلاب مشروطیت تا کنون، افراد زیادی را می توان دید که هر یک در برخی از آثار خود چنین گرایشی داشته اند. میرزا ذوقی و فرخی بزدی، نیما یوشیج، فروغ فرخزاد و احمد شاملو، همه در آثار خوب خود چنین بوده اند. در نظر هم بهترین نمونه هائی که داشته ایم صمد بهرنگی و احمد محمود و چند تن دیگر بوده اند. لازم است که هر یک از این چهره ها جداگانه و در فرصت مناسب تری بررسی شوند.

وجه مشترک هر سه گروهی که در بالا ذکر شد، همچنان که گفتیم، این بود که همه از جامعه سرمایه داری انتقاد می کردند و لزوم اصلاح یا تغییر اساسی آن را نشان می دادند. در ضمن باید یادآوری کرد که آثاری که رئالیست های انتقادی نوشتند، صرف نظر از اینکه با چه دیدی و از چه موضعی آنها نوشتند، ارزش زیادی داشتند زیرا به هر حال واقعیت های جامعه را نشان می دادند. از نظر مسیر تاریخ بطور احتیاط ناپذیر در جهت جامعه سوسیالیستی است و به همین علت هر توجیهی به واقعیت و روشن کردن زوایا مختلف واقعیت، با هر هدف و نیتی که باشد، کمکی است به نیروهای متروقی و ضربه ای است بر پیکر سرمایه داری و در نتیجه به سود سوسیالیسم است.

شعر

از: ر. ک.

خون

در شهر با جوی خونی روانست

جوی خونی از کارخانه

به کاخ

جوی خونی از مزرعه

به قصر

جوی سرخی که کارگران

و دهقانان

پرچم سفید خود را در آن می شویند

جوی خونی از سپهره کشی

پینه های دست کارگر

و چروک پیشانی بزرگر

همه جای این خونند

چرا که خون رنجبران مدام در جریان است.

بر خیز ای رفیق

اتحاد تنها چاره تست

برای خشک کردن این جوی سرخ ...

از: س. پایان

ای غول رنج

می بینمت

پشت خمیده، کوفته، رنجور

از بار قرن ها استثمار

دست گواه کار توانفرس

با پینه های کهنه افزار کار

پایت هماره بسته به زنجیر

زنجیر اضطراب -

می بینمت

تاریک و محدود و دزدیده

در کام آهن و چدن و فولاد

در کام غرش و تیش و فریاد

غمزوزه مدام موتورها

فریاد رعد گونه سیلندر

فریاد تسمه ها

در جست و خیز آهن و فولاد غرب.

می بینمت

بر سر کلاه بغضی خاموش

پوشیده آن جبین پر آژنگ

بر تن لباس مندرس کار

پروصه، پاره، روغنی و چرب.

ای خشم بیکرانه اعصار!

ای خون هر مبارزه و بیگار!

ای غول رنج، مظهر درد و مستمیری!

نیروی انقلاب!

با دست خود فشردی دیروز

حلق حرامیان جهان خوار

از پای خویشتن بگشا امروز

زنجیرهای تازه سرمایه دار

ای کارگر!

ای کار!

آدرس بانکی سازمان چریکهای فدائی

خلق ایران: تهران - بانک ملی ایران، شعبه

دانشگاه، شماره حساب:

۳۲۰۹۸

بنام عباس فضیلت کلام.

از کلیه هموطنان مبارز خواهشمندیم فیش

بانکی کمکهای مالی خود را که به بانک واریز شده است

مستقیما برای ستاد ارسال دارند.

نقدی بر یک شورای کارگری

بعده از صفحه ۱

بکنیم .

رفیق کارگر پس از شرح حال کوتاه خودیوشنه است :

"حقیقت این است که ماسدیکسا بذاریم و به جای سدیکای سابق یک شورای ۴۷ نفره درست کرده‌ام نام - "شورای نمایندگان کارگران"

خواننده توجه می کند که ایس رفیق ، شورای نمایندگان را "بجای" - سدیکای سابق گرفته است و این دقیقاً ناشی از درک غلطی است که از مسئله شورا دارد . نورائی که به هیچ وجه به جای سدیکا به وجود نمی آید بلکه در مرحله ای خاص (اوج گیری مبارزات خلق و بخصوص کارگران) ضرورت پندامی کند و بقول خود رفیق موظف است در طریقی کام بردارد که سرنوشت کارگران را خود کارگران تعیین نمایند .

و آنگاه ادامه می دهد :
" وقتی ما دیدیم باید دارای یک تشکیلات واقعی کارگری باشیم با مافع مارادرمقابل کارفرما حفظ نمایم ، چپس تصمیم گرفتیم ... "

ملاحظه می کنید تا مافع کارگران را در مقابل کارفرما " و به در مقابل دولت " (که وظیفه شورا است) حفظ کند . حفظ مافع کارگران در مقابل کارفرما دقیقاً وظیفه سدیکاست . پس رفیق به جای سدیکا می خواهد شورائی ایجاد کند که مافع کارگران را در مقابل کارفرما حفظ کند یعنی به جای وظایف شورا وظایف سدیکا را انجام دهد .

جلوتر برویم . وی پس از ارائه وظایف شورا (۱۷ مورد) که در دو مین جلسه نمایندگان مطرح شده بود و ضمن اسفاد به آن ، چنین ادامه می دهد :
" کارگری که اول نتواند حواسها صغی اش را مطرح کند و تحت تاثیر جریانبات روز یکسره به سیاست بپردازد ، این آدم هنوز به شعور طبقاتی دست نیافته است "

دیگر " دید اقتصاد گرائی " وی کاملاً آشکار شده است . کارگری که " یکسره " به مبارزه سیاسی بپردازد و خواست سیاسی را تعقیب کند ، شعور طبقاتی ندارد ، زیرا از خواسته های صغی شروع نکرده است ، حتماً باسد از خواسته های صغی شروع کرد و به خواسته سیاسی رسید ؟ بله رفیق ؟ اما اشتباه است . علم رهائی طبقه کارگر جزایس می گوید . بهتر است شما بیشتر به آن بپردازید و برای اینکار به آثار " لنهسن " مراجعه کنید . تنها برای روشن شدن موضوع اضافه می کنم که به جمله خود رفیق توجه کنید " تحت تاثیر جریانبات روز " ، و این دقیقاً همان چیزی است که وی با آن که خود آن را نوشته است ولی به آن توجه نکرده است . بلی در شرایط عادی ، طبقه کارگر به کمک روشفکران انقلابی در جریان مبارزه - اقتصادی خود به ضرورت مبارزه سیاسی می رسد و سپس به آن می پردازد . اما

تحت تاثیر جریانبات " خاص ، و در ایام خاص ، لحظاتی که شور و شوق و جوش و خروش انقلابی توده ها را در بر گرفته است ، به دیگر کارگر نباید در طریقی یک مبارزه اقتصادی طولانی به بلزوم مبارزه سیاسی برسد و آنگاه به آن بپردازد . رد بلکه مبارزه طبقاتی را از همان ابتدا بصورت مبارزه سیاسی شروع می کند . رفیق وقتی که میگوید " من امیدوارم که در اثر تلاش و فعالیت بتوانیم از طریق کمیته های ارتباطات شوراهای کارگری ، دست به تشکیل اتحادیه های پر قدرت بزنیم . " . بار هم . بیشتر درک غلط خود را از شورا نشان می دهد . از به هم پیوستن شوراها ، شورای مرکزی به وجود می آید که دولت را در دست می گیرند حاکمیت طبقه را اعمال می کند . نه اتحادیه ای که با قدرت بیشتری می تواند با کارفرما چانه بزند .

مطلب را کوتاه کنیم . تصور می کنیم دگر همین مقدمه کافی است تا درک غلط نویسنده را از مفهوم شورا و سدیکاسان دهد . حال گزارش ساده و دلنشین رفیق را مطالعه کنیم .

✱ - اکنون میسیم
✱ - صفحه ۹۵-۹۶ مجموعه آثار ، چه باید کرد ؟
صفحه ۲۴۸ دوناکتیک سوسیال -
دموکراسی در انقلاب دمکراتیک ،
مجموعه آثار .

دوستان عزیز :
من یک کارگر هستم و بهتر اینکه بگویم من یک کارگر مونساز کار و مکانیک عمومی میباشم . از موقعی که خودم را خوب شناختم رفتم نوی شرکت های پیمان کاری . این عمل باعث شد که من به جنبی از شهرهای ایران مسافرت بکنم . مثلاً پنج ماه بزد بودم ، دو سال آذربایجان و هفت ماه گیلان و هم بطور از این شرکت به آن شرکت و از این شهر به آن شهر تا اینکه یک روزی تصمیم گرفتم دیگر از کار کردن توی شرکت های پیمان کاری دست بردارم و بروم توی کارخانه کارکنم . راستش با این تصمیم بود که بعنوان مکانیک ماشین آلات صنعتی وارد کارخانه شدم .

روزهای اول کارخانه برای من خیلی عجیب بودند . این سالن هائیی که هیچ وقت آفتاب نمی دید دلم را می گرفت . آخر ما ساغاً توی کارمونساز دره های آزاد ، زیر آفتاب ، زیر باران ، شب و روز کاری کردیم و از بالا رفتن از اسکلت های بلند فلزی ، برج های کارخانه ها که می ساختیم لذت می بردیم اما حالا توی کارخانه ، توی یک سالن کم نور بی آفتاب که به می توانستی آوار سحوا سی و سه اسرو صدامی فهمیدی رفیق بغل دسی توجه می گوید . من کلافه می شدم . اما من چون یک چپس راهبده بودم و آن اینکه آدم نمی توانی همسه سرگردان این سهرو آن شهر باند و باید در یک جا کار کرد نارینه توی

خاک آنجا دوامد و اگر خواست غرض را بگیرد بتواند . ابر بود که کارخانه را قبول کردم و بپذیرتم . رفقای مس توی کارخانه آدمهای خیلی خوبی بودند . هر کدام از یک شهر بایک ده - منزل خود آمده بودند و کاری کردند . مثلاً یک نفر رشتی بود ، یک نفر سرکو دیگری هم اهل لرستان . من از برخورد با سایر کارگران چون اکثر سهرهای -

ملکتمان رادیده بودم و مثلاً احلاق و عادت مردم هر شهری دستگیرم شده بود ، این مسئله باعث شده بود که بین من با سایرین صمیمیت و رفاقت خاصی برقرار گردد .

مانوی تعمیرگاه چهارم بودیم که کارهای منی یک سال را اداره می کردیم با وجود اینکه من اسناد کار تعمیرگاه بودم ولی برای جای آوردن و با مثلاً شستنی استکانها هیچ وقت نمی گذاشتم که به کارگر پادوی قسمت دستور بدهد . سه چچه ها گفته بودم و عملاً نشان داده بودم که هر کس باید خودش کارهای شخصی خودش را انجام بدهد با مثلاً از روی نوبت بروند و استکانها را بشویند . اوایل بچه ها مثل کارگران ساده از این کارهای من تعجب می کردند ولی مدتی که گذشت دیدند که واقعا در شش هم همین است ، آخر من با خودم می گفتم ماهمه کارگریم و برای یک کارفرما جان می کنیم پس چرا باید یک نفر از ما که کارش از همه ساده تر و حقوقش از همه کمتر است سایر زحمات را هم تحمل کند . این عادت و رسم بدی است که مثلاً ما هم می بگوئیم مجتبی برو آب بار ، مجتبی برو چائی اضافه کاری را بگیر ، مجتبی پسرها را بنور . این نوع دستور دادن ها واقعا بد است . بنا بر این توی تعمیرگاه ما همه کاری کردند و صمیمیت و صفای خاصی بین خودمان برقرار بود . سایر کارگران نیز از گروه کوچک ما یاد گرفتند و این شد که توی سالن ما بپوش بپوش رسم قدیمی استاد - شاگردی به شکل سو - استفاده ظالمانه از شاگردی رفت . البته این رابطه استاد و شاگردی چیزی نبود که یک دفعه ریشه کن گردد ولی ما خیلی سعی کردیم که به همه این آموزش را بدهیم که هر کس کارهای شخصی خودش را خودش باید بکند ، تا حدود زیادی هم موفق شدیم

✱ ✱ ✱
پادم می آید ، یک روزی که مادر اعتصاب بودیم ، مهندس آمد و از من پرسید : " چرا کار نمی کنی ؟ " گفتم " اعتصاب است " گفت : " چه کنی به تو گفته اعتصاب کنی ؟ بالا برو و سرکارت " . من هم در جوش جلوی روی همه کارگرها گفتم " آقای مهندس هیچ کسی به من نگفته که اعتصاب کنم ، من دوست دارم که کار نکنم و بچه ها همگی ردد زبر خنده .
ما اعتصاب زیاد داشتیم . به نظر من کارگری ارتظر دیگر همکاران خود

محترم و قابل اطمینان است که در اعتصابات شرکت جسته و جدا برای پیشبرد هدفهای اعتصاب مبارزه و فعالیت نمایند .

✱ ✱ ✱
به نظرم بهترین است برویم سر اصل مطلب یعنی شورا . آن چیریکه این روزها خیلی مهم است . بیشتر ترس و وظیفه ما ایجاد یک شورای واقعی می باشد که مادر داخل کارخانه خود آنرا به شکلی که برایتان تعریف می کنم درست کردیم . سعی فراوان هم در حفظ و نگاهداری آن خواهیم داشت .

حقیقت آنست که ما سدیکانداریم و " بجای سدیکای سابق یک شورای ۴۷ نفره درست کرده ایم به نام (شورای نمایندگان کارگران) . جریان از این قرار است ، وقتی که ما دیدیم باید دارای یک تشکیلات واقعی کارگری باشیم تا مافع مارادرمقابل کارفرما حفظ نمایم ، چپس تصمیم گرفتیم که از هر ۵ نفر کارگر یک نفر بعنوان نماینده انتخاب گردد

بنابراین یک سال که مثلاً ۱۴۴ نفر کارگر داشت ، سه نفر بعنوان نماینده - می توانست انتخاب کند . رای گیری به توسط سه نفر از کارگران بیشتر که نام شورای موسس به خود گذاشته بودند انجام گرفت . زیر نظارت این سه نفر و با کمک سایر کارگران ، نمایندگان گروههای ۵ نفری سالن ها انتخاب شدند که جمعاً ۴۷ نفر گردید . این ۴۷ نفر به نام شورای نمایندگان کارگران پس از چندین جلسه بحث و مذاکره که بعضی وقتها در حین بحث کار به دلخوری از یکدیگر و مشاجره هم می کشید ، تصمیم گرفتند که از میان خود یک کمیته به نام کمیته هماهنگی انتخاب نمایند که این کمیته هم آهنگی در عین حال که سخنگوی شورا بود ، کارهای دفتری و تصمیمات شورا را تعقیب می کرد . ولی به هیچ وجه اعضا کمیته هم آهنگی حق تصمیم گیری یک جانبه و سرخود را با کارفرما نداشتند .

راستش بهترین کلمه برای تعریف کمیته هماهنگی همان سخنگوی بودن آنان بود . شورا به دلالتی تصمیم گرفت حتی اسامی سخنگویان خود را بطور کتبی در کارخانه اعلام نکند . تصمیم گیری های ما بر این اساس است که هر نماینده درخواستهای کارگران گروه خود را می آورد و در شورا مطرح می سازد . بیشتر خواسته های ما کارگران یکی است ، بنا بر این پس از مطرح شدن خواست کارگران در شورا از بین تقاضاها و خواسته ها ، هر جلسه سه تا از آنها را که اهمیت بیشتری دارند با کارفرما در میان می گذاریم بعد تقاضای انجامش را داریم . البته این را بگویم که تصمیمات جلسه شورا توسط سخنگویان آن با کارفرما مطرح می شود . سخنگویان وظیفه دارند که خواسته های کارگران را با کارفرما در میان بگذارند ، به چیزی از آن کم نمایند و به چیزی اضافه اگر

در خلال صحت سخنگویان ، شورای نمایندگان کارگران با کارفرما مطلب جدیدی پیش کشیده شد ، سخنگویان حق ندارند بر سر موضوع تازه با کارفرما بحث کنند ، بلکه باید آن را بعنوان حرف کارفرما در جلسه شورا مطرح سازند تا شورا راجع به ملا فلان بیسپاس کارفرما تصمیم بگیرد . ما تصمیم گرفته ایم اگر در آینده وزارت کار خواستصمیمات جدیدی راجع به انکسال شورا و تعداد نمایندگان آن بگیرد و قوانین تازه ای در این زمینه پیدا نماید جدا از موجودیت شورای خود در مقابل هر نوع هجومی دفاع کنیم . ما معتقدیم هر شورای واقعی باسد به نکل همین شورای ماداره گردد و اگر مسار بیاورند و سگویند ملا مثل گذشته سدیکا دانسه باشد ، بشرطی این سدیکا را می پذیریم کز بر نظر شورا بخواهد کار کند ، در غیر این صورت ما از هم اکنون مطمئن هستیم که آن سدیکا یک سدیکای واقعی نخواهد بود . مطلب مهم در مورد شورا این است که تصمیم گیری جمعی است ، یعنی تصمیم به انجام هرخواستی و کاری از جانب همه نمایندگان گرفته می شود و همه حق دارد که حرف خود را بزند . چون تصمیمات بر اساس خواسته های خود کارگران است بنا بر این کارگران شدیداً از موجودیت شورا و هر فهای آن در مقابل کارفرما دفاع میکنند سیاست شورا بر اساس گفته یکی از دوستان ما پایه ریزی شده است . این کارگر حرف بسیار جالب و پرمعنی رده بود به این مضمون که :

" من به حکومت عقیده هام معتقدم ولی با حکومت بر عقیده هام مخالف می باشم " . ضمناً این راهم بگویم که شورا تصمیم گرفته علاوه بر کمیته هم آهنگی کمیته های دیگری نیز با تعداد افراد متغیر داشته باشد . به این شرح : مثلاً کمیته آموزش و اشتغال ، مسئول کتابخانه کارخانه ، چون ما تصمیم گرفته ایم یک کتابخانه برای

کمیته خدمات - در زمینه بر طرف کردن گرفتاریهای شخصی کارگران و درگیریهای فردی آنان با کارفرما .
کمیته ارتباطات - در جهت برقراری رابطه با سندیکاهای و شوراهای سایر کارخانجات مواضع است که تعداد کمیته های یک شورا بر حسب ضرورت - می تواند کم و زیاد گردد . من در اینجا لازم می بینم خواسته های مطرح شده از طرف کارگران را در دو مین جلسه شورا بنویسیم تا ببینیم اگر شورا باسد و کارگران بدانند که گوش شنوائی برای شنیدن حرفهایشان هست چپس پیشنهادات جالب و خوبی مطرح می گردد .

ممنهائی ارخواسته های کارگران
نقشه در صفحه ۷

تعیین سرنوشت در روستا بدست روستائی است

روستائیان سالیان درازبست که زیر ستم رژیمهای سرسپرده گذشته و زمینداران بزرگ بوده اند، رژیمهای گذشته همیشه تلاش کردند به هر شکلی روستائیان را غارت و استثمار کنند. یکی از آن موارد اصلاحات ارضی فراموشی رژیم شاه بود که خود وسیله ای در جهت نابودی و خرابی بیشتر دهقانان و بهره کشی و غارت بیش از حد سرایه - داران و زمینداران وابسته بود روستائیان ناچار بودند با تحمل همه نوع مشکلات محصولی بدست آورند و اجبارا به قیمتی ارزان در اختیار واسطه ها و زمینداران بزرگ قرار دهند و بعد حاصل آنرا به بانکها و نزولخواران و شرکتها ی به اصطلاح تعاونی کشاورزی بدهند - و مازاد اندک آنرا لقمه نانی تهیه کنند و به زن و فرزندانشان خود بدهند. ولی این وضع دیگر برای روستائیان

قابل تحمل نبود. به این جهت در یک سال اخیر دهقانان و زحمتکش روستاها همراه کارگران و دیگر زحمتکشانش در شهرها رژیم شاه را سرنگون کردند تا بتوانند از این بیعد به خواستههای خود حاشه عمل بیوشانند. دهقانان می خواهند زمین های غصب شده شان را به آنرا بازگردند. آنان می خواهند خود حاکم بر سرنوشت خویش باشند. آنان دیگر به هیچ وجه حاضر به بهره دهی به زمینداران و سرمایه داران گذشته نیستند. اکنون در پی تلاش روستائیان در جهت حاکمیت بر سرنوشت خود ما شاهد تشکیل شوراهای متعدد روستائی هستیم تا بتوانند دست عمل سرسپرده امپریالیسم و ارتجاع را از سر خود کوتاه کنند.

در اینجا نمونه هائی از قطعنامه های شوراهای روستائی را می آوریم:

توطئه گران را رسوا کنیم

عجب شیر - روز ۱۷ فروردین در فریبه ششوان توطئه ی تازه ای اتفاق افتاد منوچهر ملک قاسمی که یکی از بیس مانده های دوره قاجار به وازکاندیدهای سابق مجلس شورای رژیم پیشین بود، از بزرگزمین داران ششوان از توابع عجب شیر نیز به حساب می آید که سواستق صد مرد می نامیده برای اهالی این منطقه روشن و آشکار است. منوچهر ملک قاسمی زمیندار بزرگ و کاندیدی سابق مجلس و عضو کمیته امام فعلی تبریز با سو استفاده از بخشنامه اخیر دولت مبنی بر پس دادن زمینهای غصب شده توسط کشاورزان (بعد از قیام) به زمینداران سابق در صد دپس گرفتن زمین های تقسیم شده از روستائیان مزبور بر می آید. از آنجا که این شخص خود شرا در کمیته تسریز جازده است با سو استفاده از موقعیت خود موضوع را با کمیته در میان می گذارد و با کمک ۱۳ نفر پاسدار مسلح کمیته عملی شهر در ۱۷ فروردین میانه

ساعت ۲ بعد از نیمه شب به سرپرستی ستوان فرح بخش مزدور رژیم پیشین جهت دستگیری ۱۴ کشاورز به ششوان اعزام میشوند. آنان با ارائه برگ ماوریت خود به کمیته عجب شیر جهت دستگیری کشاورزان به روستا وارد می شوند و آنان را دستگیر می کنند. فردای آن روز مردم این روستا جهت اعتراض به این عمل در عجب شیر دست به تظاهرات و تحصن میزنند و خواستار آزادی ۱۴ نفر کشاورز می شوند که با پیگیری و مبارزه اهالی بعد از ۴۸ ساعت موفق به آزادی آنان می شوند. تظاهر کنندگان در موقع تحصن خود تعدادی از وسائل شکنجه و آزار منوچهر ملک قاسمی را که در راه اهداف ضد انسانی خود در اربابان نش بکار می گرفت به نمایش عمومی گذارند که در زیر عکسی از این تحصن و نمایش ابزار شکنجه ملک قاسمی را آورده ایم.



خواستههای مشترک اهالی چند روستا

زحمتکشان قریه علی آباد افشار از دهات گردنشین حاده تکاب سین سفروند ج طی نشستی در ۱۶ فروردین نمایندگان شورای دهقانی ده خود را انتخاب کردند. همچنین کشاورزان قریه های چفل دهر و دیلجان از روستاهای اطراف لاهیجان، دهقانان قریه کاشان از حومه شهرستان اهر، دهقانان آبکنار انزلی و دهقانان روستای نادارلی (نظرسو) گوئی از توابع شیبستر، ضمن تاکید بر مبارزات قهرمانانه مردم زحمتکش ایران و اعلام همبستگی با آن خواستههای خود را طی اعلامیه هائی مطرح کردند:

خواستههای مشترک روستاهای فومنات

کشاورزان زحمتکش روستاهای فومنات پس از سالیان متعددی که از هرگونه اظهار نظر محروم بوده اند، اکنون بی برده اند که می توانند حرف بزنند و نظر بدهند. اینان ضمن تشریح ستم تاریخی که بر تمامی مردم ستمکش ایران اعمال می شد، خواستههای برحق خود را که در دوران رژیم مغرور پهلوی همواره زیر پا نهاده می شد بر شمردند. از آنجائیکه خواستهها و دردهای تمامی روستائیان - مشترک میباشد، به بر شمردن تعدادی از این خواستهها می پردازیم:

- ۱- لغو کلیه دیون کشاورزان از بانکهای تعاونی و کشاورزی و دیگر موسسات
- ۲- لغو کلیه باقیمانده قروض باز خرید زمین.
- ۳- لغو آب بها برای کشاورزان.
- ۴- تامین بهداشت و درمان رایگان.
- ۵- پرداخت وام بدون بهره و طویل المدت به دهقانان و دامداران.
- ۶- دادن زمینهای بایر به کشاورزان و خوش نشینها جهت توسعه کشاورزی.
- ۷- تهیه کود شیمیائی و سموم دفع آفات.
- ۸- حق تشکیل شورای دهقانی برای اداره امور روستاها.

مشت محکم دهقانان بر دهان زمینداران بزرگ و ارتجاع داخلی

درگردهائی روز ۵۸/۱/۱۵ در روستای " سلمان " از توابع گرمسار که از طرف دهقانان زن و مرد این منطقه برگزار شد اعلام گردید: زمین های کشاورزی که در دوران رژیم اختناق دردست مالکان بزرگ بوده و اکنون فراری شده اند شخصی بنام حسن علیزاده که از مزدوران و وابستگان همان مالکان و مفتخوران فراری می باشد تصاحب نموده و از آن خود ساخته است. از آنجائیکه تمامی مردم مبارز و زحمتکش بر این امر متفق القولند که زمین از آن کسی است که روی آن کار می کند و تاکنون نرس محصول دسترنج روستائیان را که سالیان متعددی بر روی همین زمینها کار کرده اند عده ای سرمایه دار زمیندار

بزرگ می ربودند و بعلت حکومت زور و خفقان پهلوی هرگونه اعتراض با شدت سرکوب می گردید. . . . اینک که انقلاب شکوهمند زحمتکش ایران سرود نداشت مزدوران و چپاولگران میهن را برای همیشه کوتاه کند، دهقانان روستای " سلمان " تصمیم گرفته اند که زمین های خود را پس بگیرند. آنها برای این کار دوره پیشنهاد کردند:

یکی اینکه از طریق کمیته امام و دادگاه وارد عمل شوند و زمینهای خود را از مفتخوران فراری پس بگیرند. دیگر اینکه روستائیان خود به سرزمینهایشان رفته و با وسائل زراعت روی آنها کشت کرده و زمینهایشان را بدست آورند.

خواستههای جمعی از دهقانان شهرستان آمل

جمعی از اهالی روستاهای فرامده، اسد - الله آباد، زهبیان، کنسی، علی آباد هرازی، ولم علیا، ملا کلا، زرد آب، ابوالحسن آباد، معلم کلادابو، عزت آباد، علمده سرفی، کلرز علیا، رود پشت، آزادمون، نحن کنار، جبارافرا علم، اسکده، خواستههای حاشی و برحق خود را طی قطعنامه ای شرح زیر مطرح می کنند:

" . . . کشاورزان روستاهای آمل همراه با دهقانان سراسر کشور برای ساختن ایرانی مترقی و آزاده دور از ستم های طبقاتی خواستههای مشروع و قانونی خویش را به شرح زیر اعلام میدارند.

- ۱- لغو کلیه بدهیها و تعهدات مالی دهقانان به بانکها و موسسات دولتی و دیگر نزولخواران.
- ۲- خرید محصولات کشاورزی با نرخ عادلانه از طرف شرکتهای تعاونی روستائی به منظور کوتاه نمودن دست واسطه های خرید و فروش.
- ۳- گسترش شرکتهای تعاونی فروش و مصرف.

- ۴- تامین امکانات رفاهی، بهداشت، بیمه، راههای شوسه برای حمل و نقل، برق و آب.
- ۵- گسترش اصلاحات ارضی از طریق مصادره زمین های مالکین بزرگو دایز کردن زمینهای بایر و قابل کشت جهت تامین زمین کافی برای دهقانان بی زمین و کم زمین.
- ۶- اعطای وام های طویل المدت و بدون بهره و کمکهائی مالی به دهقانان.
- ۷- در اختیار گذاشتن امکانات تولیدی از قبیل کود، بذراصلاح شده، آب، سم، ماشین آلات باقیمانده از دوران رژیم مغرور پهلوی جهت ساختن کمیته ها و اتحادیه های دهقانی و اجازه شرکت فعال این انجمنها در امر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی.
- ۹- آزادی بدون قید و شرط بیان عقیده، مذهب، تظاهرات، اجتماعات و احزاب و سازمانهای مترقی." قطعنامه با این شعار تمام می شود:

" زمین برای بزرگ، کار برای کارگر، آزادی برای همه "

کشاورزان از دولت موقت چه میخواهند

درنامه ای که کشاورزان قریه کیکالاسه حومه لنکرود در تاریخ ۲۳ فروردین ماه به دولت نوشته اند، ضمن اشاره به اعمال ضد خلقی رژیم منحوس پهلوی که موجب نابودی زمینهای کشاورزی و بی خانمانی کشاورزان و روستائیان گشته است با تاکید بر جنبش انقلابی مردم و رهبری آن، انتظارات خود را از دولت موقت بدین شرح اعلام نمودند:

- ۱- لغو کلیه بدهی ها و تعهدات مالی گذشته دهقانان به بانک کشاورزی.
- ۲- گذاشتن کود و سم به قیمت ارزان و مناسب در اختیار دهقانان.
- ۳- دادن وام بدون بهره به روستائیان و اینکه تمام وامها در اختیار کشاورزان قرار گیرد. (توضیح اینکه قبلا مبلغ زیادی از وامها در اختیار رباخواران و سرمایه گذاران قرار می گرفت)
- ۴- گذاشتن وسائل تولید کشاورزی مانند موتور شخم زنی، وسائل سمپاشی و . . . در اختیار دهقانان

هشدار به اعضای شورا

روز ۲۱ فروردین ماه، کلبه کارگران، کارمندان و سرپرستان شیر پاستور سزه منطقه ای تبریز در یک اجتماع، اعضای شورای خود را انتخاب کردند. یک کارگر، یک تکنسین، یک کارمند اداری و یک کارشناس که رئیس انبار شرکت است اعضای شورا را تشکیل می دهند.

کارکنان در این اجتماع اعلام کردند که اگر شورا در مهلت مقرر نتواند وظایف خود را با خوبی انجام دهد از طرف کارگران و کارمندان اعضای جدیدی انتخاب خواهند شد. در تائید این نظر لازمست یاد آوری کنیم یکی از راه حلهای مقیدی که میتواند شورا را از هرگونه انحراف و فساد دور نگه دارد نظارت و کنترل دقیق دیگر کارکنان و همکاران در یک موسسه بایک واحد تولیدی خواهد بود که به محض مشاهده هرگونه خلافی با برخوردی اصولی با آن از اسب پذیری روش اصولی شورا جلوگیری شود.

خودتان افرادی را معین کنید

گروهی از کارمندان وزارت بهداشت - تهران طی اعلامیه ای گفته اند، همان طور که وزیر بهداشتی قبلا گفته بود برای معرفی روسا و معاونین من کسی را نمی شناسم، خودتان افرادی را معرفی کنید. کارکنان یک نفر از افراد مطمئن را به وزیر معرفی کردند ولی بعدا مشخص دیگری با انتصاب وزیر در راس کارها قرار گرفتند که یکی از آنان در رژیم پیشین مدیرکل بهداشتی آذربایجان غربی بوده که بخاطر فساد اخلاقی و مالی از آنجا رانده شده بود. آنان در پایان از دولت خواسته اند هر چه سریعتر تفریقاتی را در سطح وزارت بهداشتی عمل آورد.

عدم دخالت افراد غیر مسئول خواست کارگران است

قزوین - اعلامیه ای تحت عنوان "چه کسانی برای بازگشت روسای عربده کش کارخانه سیمان آبیک تلاش می کنند؟" بدست ماریسده است که قسمتهائی از آنرا در زیر می آوریم:

در مقدمه آمده است که "کارخانه سیمان آبیک یکی از کارخانه های شرکت سهامی فارس و خوزستان وابسته به بنیاد پهلوی سابق بوده است و سپس ضمن ذکر نام مدیر عامل، رئیس کارخانه و معاون وی چهره های این عوامل ضد کارگری را می شناسد و آنگاه چنین ادامه می یابد:

"بعد از قیام مسلحانه و سرنگونی رژیم شاهنشاهی، کارگران شروع به تصفیه محیط کارخانه کردیم و از آن جمله معاون کارخانه، سرکارگران خائن و عوامل معاون کارخانه را اخراج کردیم. در ادامه اقدامات خود شورائی مرکب از ۱ نفر تشکیل دادیم متناسفانه از آنجا که کارگران آشنائی درست به انتخابات نداشتند، افرادی وارد شورا شدند که قبلا جزو دارودسته رئیس و معاون بودند و با کارشکنی در امر تولید و نفوذ در کمیته و تحت تاثیر قرارداد مسئولین کمیته در جهت خلاف منافع کارگران شرایطی فراهم نمودند که رئیس و بنیاد آن معاون وی و سایر سرکارگران خائن راه سرکار بازگردانند و برای رسیدن به این هدف تا آنجا پیش رفتند که با تحریک کارگران توسط افراد معلوم الحال، حوادث روز ۵۸/۱/۲۱ را بوجود آوردند که موجب مضروب شدن

یکی از مهندسين گرديد. حادثه به اين شکل بود که در تجمع کارگران و کارکنان کارخانه در روز فوق که به دعوت کمیته کارخانه برای سخنرانی یکی از دوستان رئیس کارخانه به نام "میری" تحت عنوان نماینده کمیته قزوین انجام شده بود، توسط عددهای پیشنهاد شد که باید به قراردادهای رئیس و معاون وی با شرکت های خارجی و داخلی وابسته به سرمایه داران خارجی رسیدگی شود تا بدین وسیله زد و بندهای آنان برای عموم کارگران روشن شود. ولی "میری" به شدت با این پیشنهاد مخالفت کرد و لذا محیط آنجا را به کمک عناصر ارتجاعی و جیره خوار (که بعضی از آنان با رئیس کارخانه خویشاوند بودند) تحریک کرده و موجب بروز آن حادثه ساختگی گردید در پایان اعلامیه "خواستهای فوری کارگران کارخانه سیمان آبیک" آورده شده است:

- ۱- تشکیل واقعی شورای موقت هماهنگی کارخانه برای اداره امور کارخانه.
- ۲- انجام هرچه زودتر انتخابات نمایندگان واقعی کارگران برای تشکیل سندیکا.
- ۳- بررسی پرونده های قراردادی کارخانه با شرکت های خارجی و داخلی که توسط روسای کارخانه انجام شده است.

تاما اعتراض نکنیم حقمان را بدست نمی آوریم

تبریز - انبارهای عمومی سیلان در حدود ۵ نفر از کارگران که در زمان شاه سابق از کار برکنار شده بودند روز ۱۵ فروردین ماه در کارخانه جمع شدند. بنا به تصویب کمیته ۱۰ نفر از آنها به کار بازگشتند و بقیه گفته شد که به هیچ عنوان آنها را استخدام نخواهند کرد. بهتر است بی خود خود را به در در نیندازند. کارگران تدبیرا اعتراض کردند و رئیس کارگری را که از خوانین و طرفدار رژیم سابق است تهدید کردند. وی اخیرا نماینده کمیته امام در کارخانه شده است. کارگران اخراجی در پاسخ کارگری که آنها را دعوت به آرامش می کرد بیکارچه گفتند که تا ما اعتراض نکنیم حقمان را بدست نمی آوریم. چو حقمان را می خورند باید اعتراض کنیم و کارگران شاعل کارخانه نیز در همین روز در یک گردهمایی تصمیم گرفتند که پنجمین را جزو تعطیل رسمی کارگران بسازند و اگر کارفرما به کار آنها نیاز دارد باید دوباره دستمزد معمولی را بپردازد.

- ۴- اخراج افراد فاسد و ضد کارگری و دیگر افرادی که عدم صلاحیت آنها را بررسی پرونده ها مشخص می شود.
 - ۵- عدم دخالت هرچه زودتر افراد غیرمسئول خارج از کارخانه در اداره کارخانه.
- "گروهی از کارگران کارخانه سیمان آبیک"

خواسته های کارگران شرکت سهامی دستاس

ساری - کارگران شرکت سهامی دستاس ضمن قطعنامه ای خواسته های خود را در بازده مورد اعلام کردند و دولت خواستند که به خواسته های آنها رسیدگی کند.

در این قطعنامه آمده است که: ما کارگران در دوران رژیم منغورپهلوی به اندازه کافی ستم کشیده ایم بعد از نابودی این رژیم امیدوار بودیم که دیگر ستم و تفریحات بکشیم و تحت ستم کارفرما و اداره کار قرار نگیریم تا مزد عادلانه ای در مقابل کار خود دریافت کنیم. اما درکمال تاسف می بینیم که هنوز کارفرمایان خود سرانه دست باخراج کارگران زحمتکش می زنند. هنوز ما از حداقل حقوق که بتواند شکم ما وزن و بچه هایمان را سیر کند

دست عناصر ضد انقلابی از کارخانه ها کوتاه

تبریز - کمیته کارگران کارخانه ایسدم (سازنده موتورهای دیزل بسز) در ادامه پاکسازی کارخانه از عناصر ضد انقلابی حلسه ای تشکیل داد. در این حلسه تمام کارگران کارخانه که تعدادشان به ۱۳۵ نفر می رسد شرکت داشتند. بر اساس تصمیم قبلی کمیته کارگران، جعفریان رئیس انتظامات و "فرشچی" مدیر تولید باید اخراج می شدند. مدیر عامل (که نام خود او در لیست ۱۸ اخراجی بود) در این کار اخلال می کرد.

یکی از کارگران در این زمینه گفت: چطور مدیرعامل می تواند کارگران را بدون پرداخت مزایا و حقوقی اخراج کند اما وقتی ۱۳۵ کارگر خواهان اخراج دوامور فاسد هستند با مقاومت وی روبرو می شوند؟

در همین حلسه از مدیرعامل کارخانه درباره ۱۲ چک به مبلغ شش میلیون ریال که در وجه روسای قسمتها صادر شده است توضیح خواسته شد. در همین هنگام دوامور اخراجی که تا این لحظه در کارخانه بودند متواری می شوند. کارگران اعلام می کنند چنانچه عناصر فاسد که موارد اتهام و همکاری آنها را رژیم گذشته مشخص شده است، به کارخانه مراجعه کنند، دستگیر و به مقامات انتظامی تسلیم خواهند شد. جلسات کمیته کارگران کارخانه ایسدم برای پاکسازی عناصر ضد انقلابی و رسیدگی به خواسته های کارگران بطور منظم ادامه دارد.

نقدی بريك شورای ...

- ۱- تقسیم کار بین نمایندگان کارگران.
 - ۲- تشکیل مستمر جلسات شورا حداقل در روز در هفته.
 - ۳- اعلام انحلال سندیکای سابق و سپردن امور آن به تدریج به شورای نمایندگان کارگران.
 - ۴- لزوم اتحاد و همبستگی بین نمایندگان و کارگران.
 - ۵- تشکیل کمیته های مختلف شورا و تعیین وظایف آنها.
 - ۶- ارشاد و راهنمایی کارگران در زمینه شناخت بنیادی مسائل انقلاب ایران، از جمله نحوه شکل گیری حکومت و مجلس موسسان در آینده.
 - ۷- توضیح اینکه نماینده هر گروه ۵ نفری در شورا حکم سخنگوی آنها را ندارد و تصمیم جمعی ۵ نفر را به شورا منتقل می سازد.
 - ۸- شورا موظف است در طریقی گام بردارد که سرنوشت کارگران را خود کارگران تعیین نمایند. (تعریف درست هدف شورا).
 - ۹- شورا موظف است در جهت پاکسازی محیط کارخانه از عناصری که با حقوق های گزاف استخدام شده
- ۱۰- کارهای اندکی انجام می دهند قدر بردارند.
 - ۱۱- کارگران خواهان شناسائی و تشریح احزاب و گروه های مختلف اجتماعی میباشند.
 - ۱۲- روشن نمودن موضع نهضت برای کارگران.
 - ۱۳- تطبیق وظایف شورا با شرایط انقلابی زمان.
 - ۱۴- لزوم اتحاد و یکپارچگی بین کلیه کارکنان شرکت اعم از آنها یکپارچه دارای کارت کارمندی هستند و چه آنها یکپارچه کارت کارگری دارند.
 - ۱۵- برقراری روابط عادلانه و انسانی بین کارگران و کارفرما.
 - ۱۶- کارفرما موظف است از کارشکنی در کار شورا خودداری ننماید و تمام امکانات لازم را در اختیار شورای نمایندگان کارگران قرار دهد.
 - ۱۷- در عین بهره گیری از تمام امکانات لازم در اختیار شورای نمایندگان کارگران قرار دهد.
 - ۱۸- در عین بهره گیری از تمام امکانات لازم در اختیار شورای نمایندگان کارگران قرار دهد.
 - ۱۹- در عین بهره گیری از تمام امکانات لازم در اختیار شورای نمایندگان کارگران قرار دهد.
 - ۲۰- در عین بهره گیری از تمام امکانات لازم در اختیار شورای نمایندگان کارگران قرار دهد.

به آتش کشیدن کتابهای علمی در خدمت ضد انقلاب است

یکی از شیوه های شناخته شده ضد انقلاب همواره از بین بردن کتابهای علمی، ترور افکار و تحمیل عقاید است. اینروزها بانعوذ روزافزون عوامل امپریالیسم و عناصر سلاواک در کمیته های زیر لوای اسلام علوی عملاً اسلام صفوی را بسازد می کنند. حمله به دفتر سازمانهای منرفی، صرب و غنم عناصر مارز، به آتش کشیدن کتابها و نشرها تهدید کتابفروشان کنار خیابان، حمله به نظارهات کارگران و گرفتن باجودادن رشوه جزو مسائل روزمره اند. در چهارشنبه گذشته یکی از نمونه های بارز این اعمال ضد انقلابی در شهر زنجان به وقوع می پیوندد. در روز چهارشنبه کارکنان بانک بازرگانی به تحریک کمیته باسج کودکان ده ساله که کتابفروشی کنار خیابان حمله کرده و پس از پاره کردن عکسهای صمد بهرنگی و خسرو

گسرخ کلبه کتابخانه آتش کشیده و تازنجیر و چوب و سنگ به تشریففروشی حمله میکنند و پس از ضرب و شتم وی و خاک مالیدن به سرورویش به وی پیشنها می کنند که با گرفتن ۲۰ هزار تومان از کار کتابفروشی خودداری نماید. کتابفروش آگاه از گرفتن رشوه خودداری نموده و مسلسل افراد کمیته را که بر شقیقه اش نهاده و تهدید به مرگ کرده بودند تحقیر می نماید زیرا که ایمان را با پول نمی توان خرید. می پرسیم که چرا از میان ۲ میلیون کارگر بیکار تارکنان بانک بازرگانی و افراد کمیته زنجان به فکر رشوه دادن به یک کتابفروش کنار خیابان افتاده اند؟ آیا واقعا دلشان برای کارگران سوخته است و یا آنکه می خواهند از گسترش عقاید علمی در شهر زنجان جلوگیری کرده تا با دست باز به چپاول مردم مشغول شوند.

نمی خواهیم برای سرمایه داران خارجی کار کنیم

تبریز - کارگران حفاری سد کو - سد ایران (دکل ۸۳) اساسنامه شورای خود را در ۲۵ ماده تدوین و منتشر کردند. در مقدمه اساسنامه شورا آمده است:

" ما اینکه مدتی از انقلاب خونین ما می گذرد تاکنون کوچکترین تغییری در وضع اجتماعی، صنفی و رفاهی ما کارگران به وجود نیامده است. باز همان شرایط طاقت فرسا حاکم است و وعده های سرمایه داز داخلی و خارجی به استثمار کارگران مشغول هستند. ما نمی خواهیم دیگر برای این سرمایه داران که ماسک انقلابی به چهره زده اند کار کنیم. این افراد که در گذشته هدفی جز سرکوبی - کارگران نداشتند همچون "مار زخمی" به انتظار فرصت نشسته اند تا ضربه ها خود را به کارگران وارد آورند.

ما کارگران حفاری دکل ۸۳ پس از سالها مبارزه به این نتیجه رسیده ایم که برای رفاهی از استثمار باید متحد و متشکل شویم. به این منظور اساسنامه شورای کارگران را تهیه کرده ایم تا بر اساس آن به مبارزه ادامه دهیم."

قسمتی از مواد اساسنامه شرح زیر

خواستهای کارگران روز مزد هوایمائی

تهران - کارگران روز مزد صایع هوا - بیمائی که مدتی است بیکار شده اند در قطعه نامه ای خواستهای خود را مطرح کردند. در این قطعه نامه آمده است:

ما کارگران که علیه استثمار و استثمار مبارزه کرده ایم انتظار داریم پس از پیروزی انقلاب اینها را از سر خودار - سویم در حالیکه امروز با مشکلات تازه ای روبرو شده ایم که ما و خانواده هایمان را تهدید می کند.

در باب این قطعه نامه کارگران خواستار بازگشت به کار، دریافت حقوق

خود در مدت اعتصاب و بیکاری بفرخورند. آری از امکانات اجتماعی و رفاهی شده اند. در ماده چهارم این قطعه نامه آمده است:

ما کارگران روز مزد عنا - هوایمائی همستگی خود را با اتحادیه کارگران هوایمائی اعلام می کنیم و از این اتحادیه می خواهیم موقعیت ما کارگران را مشخص کرده و حقوق از بین رفته ما را پس بگیرد. ضمناً ما مشخص شدن موقعیت ما، صنایع هوایمائی موظف هستند حقوق و کلیه مزایای ما را برسد.

حمله مرتجعین به نمایشگاه کتاب و عکس

بوشهر - روز ۲۵ فروردین ماه ساعت ۹/۵ شب نمایشگاه کتاب و عکس و اسناد هواداران سازمان چریکهای فدائیی خلق در بوشهر مورد حمله عده ای از عناصر ناآگاه تحریک شده از سوی مرتجعین و سرمایه داران وابسته فرار گرفت. در این حمله حدود ۷۵ هزار تومان خسارت وارد آمد که این رقم شامل عکس، کتاب و اسناد و یک سری وسائل صوتی می باشد.

ما بارها از دولت سؤال کرده ایم

لغو کلیه قوانین ضد کارگری

همدان - گروه زیادی از کارگران و دیلمه های بیکار روز بست و بیحکم فروردین در استانداری همدان متحصن شدند از طرف آیت اله مدنی برای سکری خواستهای کارگران بیکار اقداماتی انجام گرفت و کارگران به شرط آنکه مذاکره ادامه یابد به تحصن خانته دادند. خواستهای کارگران و دیلمه های بیکار همدان به شرح زیر است:

۱- ایجاد کار برای کلیه کارگران

۲- فصلی و اخراجی.

۳- پرداخت حقوق بیکاری بدون هیچگونه تعهد و شرطی.

۴- پخش خواستهای کارگران از رادیو تلویزیون.

۵- لغو کلیه قوانین ضد کارگری.

۶- مجازات عاملین کشتار و محروم کردن کارگران در اصفهان و جلوگیری از اینگونه اقدامات ضد انسانی.

اخبار کوتاه

موفقیت کارگران اخراجی شیر پاستوریزه در تبریز - پاستوریزه در تبریز - ۳۱ نفر از کارگران اخراجی کارخانه شیر پاستوریزه پس از مذاکره با مسئولان و مبارزه با مدیر کارخانه که مانع ادامه کار آنها بود موفق شدند سر کار بازگردند. این کارگران در حرمان مبارزه خود دست به اعتصاب غذا زدند و مدیر عامل کارخانه را محصور کردند دست از مقاومت بردارد. تراش و پیگیری کارگران مبارز شیر پاستوریزه تبریز، مدیر عامل و مساند اداره کار موافقت کردند حقوق چند ماه گذشته آنها پرداخت شود.

اجتماع رانندگان را برهم زدند. ۱۵۰ راننده که برای استخدام به اداره بهداری و بهزیستی تبریز آمده بودند با تیراندازی هوایی مأموران کمیته متفرق شدند. اجتماع کارگران به دنبال دعوت اداره کار و استانداری انجام گرفته بود. تیراندازی مأموران کمیته موجب وحشت مردم شد از جانب رانندگان اجتماع کننده و مردم حاضر در محل به شدت محکوم شد.

مبارزه کارگران بیکار کشت و صنعت اندیمشک - گروهی از کارگران کشت و صنعت اندیمشک که بیکار شده اند در تاریخ ۲۶ فروردین در میدان شهر شوش و محل بخشداری اجتماع کردند و خواهان دریافت حقوق ایام بیکاری و بازگشت به کار شدند. این کارگران در شرکت های کشت و صنعت ایران - آمریکا، هاواسی و کالیفرنیا کار می کردند.

بخشداری شوش قول داده است به هر خانواده بیکار سه هزار تومان حقوق پرداخت شود. کارگران تصمیم گرفتند یک شرکت تعاونی به منظور رفع احتیاجات خود با مشارکت همه کارگران تشکیل دهند.

کارگران بیکار کشت و صنعت اعلام داشتند تا رسیدن به خواستهای خود به مبارزه ادامه می دهند.

کارگران کارخانه های سوز پاک کتی ارومیه - ارومیه - کارگران کارخانه های "سوز پاک کتی ارومیه" ارومیه در اجتماع بر شوری که تشکیل دادند، اهمیت شورا های کارگری و ضرورت اتحاد کارگران برای مبارزه با سرمایه داران ضد انقلابی و حل مشکلات کارگران را تشریح کردند.

کارگران در یک قطعه نامه ۱۶ ماده ای خواستهای خود را مطرح کردند. قسمتی از خواستهای کارگران عبارتست از:

۱- پرداخت حقوق دوران اعتصاب و تعطیل کارخانه ها، افزایش دستمزد، تقسیم سود کارخانه ها میان کارگران.

۲- ایجاد صندوق کمک به کارگران به منظور تامین احتیاجات دوره های اعتصاب و بیکاری و حوادث، سرخورداری از حق مسکن و حق اولاد، جلوگیری از اخراج کارگران و سپردن اختیار و حق تصمیم گیری به شورا های منتخب کارگران.

سمینار راهیابی برای حل مشکل مسکن

سازمان ملی معماران و شهر سازان منظور ایفای نقش سازنده در حل مسائل اجتماعی و از آنجمله حل مشکل مسکن، از تاریخ ۲۸ تا ۳۰ اردیبهشت ماه سمیناری در سالن اجتماعات دانشگاه فارابی واقع در حبابان و از ساعت ۷ تا ۴ بعد از ظهر برگزار می نماید.

علاقتمندان می توانند برای تنظیم برنامه سمینار تا تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه به محل مذکور آمده یا تلفن شماره ۶۲۶۶۷۱ تماس بگیرند.

تحصن مجدد سیاهان دوره ۲۱ گیلان - (۵۸/۱/۱۸) سیاهان دوره ۲۱ مجدداً برای رسیدگی به خواستهای خود دست به تحصن زده و مسانه زسیرا صادر نمودند.

" در باربروتر کردن و حفظ دستاوردهای مبارزات حق طلبانه خلقهای میهن مان که هزاران شهید همراه داشته است و نیز جهت مبارزه با هرگونه بی عدالتی و تبعیض، ما سیاهان دوره ۲۱ بغلت عدم رسیدگی به حق قانونی خود مجدداً در اداره کل آموزش و پرورش استان گیلان متحصن شده ایم و مصراً از مقامات مسئول تقاضای رسیدگی فوری به وضع خود را داریم.

۱- تعیین تاریخ تشکیل کلاسهای کارآموزی جهت استخدام.

۲- استخدام کلیه سیاهان دوره ۲۱ در تاریخ قراردادی.

خواسته های برحق زحمتمندان منسوخ - حضرت - کشاورزان، کارگران و سایر زحمتمندان موحان طی اعلامیه ای سان کردند که:

ما کشاورزان، کسه و کارگران بیس از هر گروه دیگری، انقلاب ایران را گرامی می داریم، زیرا که انقلاب به کمک دستهای پینه پسته ما شکل گرفته است و

۱- مشارکت تمام مردم در اداره امور مربوط به خودشان در حوزه یادهی که زندگی می کنند و دولت باید از نما - بندگان مردم که از بین طبقه زحمتکش آنان عمارتندار:

۱- مشارکت تمام مردم در اداره امور مربوط به خودشان در حوزه یادهی که زندگی می کنند و دولت باید از نما - بندگان مردم که از بین طبقه زحمتکش و بطور آزاد و بدون ترس و لبرز و تهدید عوامل ضد انقلاب در هرده با قریه انتخاب می شوند، حمایت نماید تا این شوراها قدرت اجرایی داشته باشند.

۲- واگذاری زمین با تامين آب به دهقانان بی زمین که خواهان کشاورزی هستند.

۳- واگذاری تراکتور دولتی به کشاورزانی که امکان استفاده از تراکتور خصوصی را ندارند.

۴- برگرداندن زمینهای غصب شده توسط زورگويان رژیم سابق، به کشاورزان که صاحبان اصلی آن بوده اند.

۵- خرید محصولات ده توسط دولت برای کوتاه کردن دست سرمایه داران و دلالتان جهت افزایش قدرت خرید و بالابردن سطح زندگی مردم در روستا و کاهش اختلاف بین سطح زندگی در شهر و روستا.

۶- کوتاه کردن دست غارتگران، دزدان و زورگويان از سر مردم و تامين امنیت ده با حمایت دولت از مردم و نمایندگان منتخب آنها.

۷- تامين بیمه درمانی رایگان جهت استفاده از امکانات شهرها و ایجاد درمانگاه در موحان و همچنین دردهات دیگری که ضروری باشد.

بمناسبت سالروز تولد

لنین، بزرگ آموزگار کارگران و زحمتکشان جهان

سیب و دوم آوریل (دوم اردیبهشت) سالروز تولد ولادیمیر ایلیچ لنین، رهبر اولی انقلاب سوسیالیستی دنیا و آموزگار کبیر کارگران سراسر جهان است. این روز برای همه آشنائی که در پرتو روشنی بخش اندیشه های بشر دوستانه لنین یعنی در راه آزادی واقعی و حاکمیت کارگران و زحمتکشان مبارزه می کنند روز بزرگیت ۵۹ سال سن در چنین روزی، لنین در شهر "سیرسک" بدینا آمد و در یک خانواده مترقی و آگاه دوران کودکی را پشت سر گذاشت. در ۱۶ سالگی پدرش درگذشت و بدینال آن برادر انقلابیش راه حرم شرکت در سو، قصد علیه جان تزار تیر-بارار، کردید. در سال ۱۸۸۷ وارد دانشگاه گازان شد و به تحصیل حقوق پرداخت. در آنجا با دانشجویان آگاه آشنا شد و فعالیت انقلابی را آغاز کرد. چهار ماه گذشته بود که زندانگاه اخراج و زندانی شد. پس از مدت کوتاهی از زندان به فریاد دور افتاده ای تبعید شد. در تبعیدگاه با پشتکار و علاقمندی به مطالعه پرداخت و به نحو قابل ملاحظه ای شناخت اوافز - ایش یافت. پس از پایان تبعید اجازت نداشت در دانشگاه تحصیل کند یا به خارج برود. طی تماسی که با محافل مارکستی داشت، توانست آگاهی مارکستی خود را تکمیل کند. او در سن ۱۸ سالگی یک مارکست مومن و مبلغ پر شور و فعال سوسیالیزم علمی بود. طی چهار سال و نیم که با خانواده اش در "سامارا" زندگی می کرد، چند زبان خارجی را آموخت و بخصوص به زبان آلمانی تسلط پیدا کرد و آثاری را از مارکس و انگلس به روسی ترجمه کرد و دست نویسی آنها را در اختیار محافل محقی قرارداد از سال ۱۸۹۳ پی برد که "سامارا" برای فعالنهایش محیط کوچکی است. این پس برای شرکت موثر در جنبش کارگری، به پتر بورگ رفت و تلاش خستگی ناپذیری را در راه آموزش و اشاعه سوسیالیزم آغاز نمود. به دلیل قابلیت های گوناگونی که در زمینه آموزش و سازماندهی داشت، مارکستهای پتر بورگ و کارگران پیرو او را رهبر خود می دانستند. در تابستان سال ۱۸۹۴ کتاب "دوستان مردم کساندو چگونه علیه سوسال دمو-کراتهای حاکم " را در مقاله نامشی انحرافی "نارودنیکها" (که بخش طغنه کارگر را در انقلاب نادیده می گرفتند تا این گمان که می توان حد از زنده ها بر علیه نظام حاکم مبارزه کرد و پیروز شد) نوشت و راه صحیح مبارزه را به طغنه کارگر و انقلابیون روشن نشان داد.

از این پس لنین همراه با مبارزه سگری علیه کجروشهای گروههای مختلف صورت شکل حزب و گسترش محفلهای کارگری را از راه نوشتن مقاله، سخنرانی و بحث دنبال می نمود. ویسن آریستش مورد قبول نیروهای انقلابی و مبارز واقع می گشت.



بازگشت و فعالیت خود را در مقام وسیع تری ادامه داد. در همین سال با متحد نمودن محافل پتر بورگ، "اتحاد مبارزه برای رهائی طبقه کارگر" راه وجود آورد سمت گیری محافل سایر شهرستانها در این جهت، زمینه مساعد تری را برای تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر فراهم ساخت. ولی در ماه سپتامبر، پلیس تزاری به سازمان مزبور بورش بردولنیس و برخی از همزمان او را بازداشت کرد. لنین به دنبال ۱۴ ماه حبس در زندان - پتر بورگ برای مدت سه سال به سبیری تبعید شد. او با عشق بی پایانی کسه بست به نوده ها و مبارزه در راه رهائی آنان داشت و جوی توانست در تبعیدگاه فعالیت انقلابی را از طریق ارسال مقالات و نوشته هائی "ادامه دهد در همسجا بود که طرح برنامه حزب را تکمیل کرد و دستن نامه ۳ اثر نوشت.

زایونه سال ۱۹۰۵ تعدد لنین تمام شد منتهای او اجازه اقامت در مراکز مهم صنعتی و کارگریش "مثل پتر بورگ داده شد تا چار به سکونت در شهر پتروسوف - (پتروسوف پتر بورگ) شد. ولی چیزی نگذشت که به دنبال آگاهی از خطر ترور، به آلمان رفت و روزنامه "اسکرا" را منتشر نمود.

در سال ۱۹۰۲ بر دانه های خود راه نام "چه باید کرد؟" انتشار داد و اس اثر به مثابه عالیترین اثر تئوریک مورد توجه نیروهای مارکستی فرار گرفت و توانست ضرورت تشکیل حزب را تشریح - نموده و مرر سن آشنائی را که دانسته - مبارزه طبقاتی و آگاهانه کارگران

در سال ۱۹۰۲ بر دانه های خود راه نام "چه باید کرد؟" انتشار داد و اس اثر به مثابه عالیترین اثر تئوریک مورد توجه نیروهای مارکستی فرار گرفت و توانست ضرورت تشکیل حزب را تشریح - نموده و مرر سن آشنائی را که دانسته - مبارزه طبقاتی و آگاهانه کارگران

سن روزنامه "پرولتاریا" به سردبیری لنین ارگان حزب شناخته شد "اسکرا" بدست منشویکهای سازشکار افتاد.

در همین سال مصوبات کنگره و نقش اهمیت تاکتیکهای انقلابی را لنین در کتابی به نام (دوناکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب بورژوا دموکراتیک) به رشته تحریر در آورد و در ماه ژوئیه منتشر شد. لنین در این اثر درخشان بروشنی نشان داد که منشویکهای انقلابی و منشویکهای سازشکار از دو دیدگاه مختلف انقلاب روسیه را بررسی می کنند. لنین در این اثر نقش و اهمیت طبقه کارگر روسیه و وظایف حزب انقلابی پرولتاریا را در انقلاب تشریح نمود و ثابت کرد راه منشویکها راه انقلابی و راه منشویکها سازشکارانه است.

لنین در موقعیت انقلابی سالهای ۱۹۰۵ هواره بر لزوم قیام مسلحانه تاکید داشت و با تمام تلاش آن را تشریح می نمود و تدارک می دید. او می گفت: "پس از در گرفتن قیام، باید مصمم و قاطع عمل کرد. نباید حالت دفاعی بخود گرفت، بلکه باید به حمله پرداخت، نباید در چهار چوب تنگی باقی ماند، بلکه باید به گسترش سریع قیام پرداخت."

لنین کمرش از شرکت فعال در انقلاب ۱۹۰۵ و تجربه اندوزی، پولاد - آبدیده ای شد که هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ تشکیلاتی بعنوان محررتترین و سرخته ترس شخصیت انقلابی جهان شناخته شد. فعالیتهای صدها نوبتی و فقه لنین در عرصه تئوری و پراکتیک انقلابی او را به نمونه یک انسان طراز نوین بدل ساخت که تمام آشنائی که او را می شناسند معترفند: او خلاقترین تئوریسین، بهترین سازمانده، رفو تترین انسان، قاطع ترین و رزمنده و وفادار ترین انقلابی به آرمانهای زندگی ساز طبقه کارگر و زحمتکشان است. او برای شریک یک آموزگار کبیر است و برای کمونستهای دنیا یک رهبر بزرگ و افتخار آفرین.

زندگی سازنده و پرافتخار لنین بدسال سی سال تلاش خستگی ناپذیری انقلابی، سرانجام در روز ۲۱ ژانویه ۱۹۲۴ به پایان رسید. این مرگ زودرس در نتیجه تروری بود که چند سال قبل به دست خناینگاران صورت گرفت و او را از ناحیه سر مصدوم کرده بود.

لنین مرد ولی گنجینه ای از خود بر جای گذاشت که تا بد حاودانه است. میراث حاودانه لنین، لنینیسم (پسا حراعی است که در سراسر جهان راه مبارزه کارگران و زحمتکشان را روشن می سازد). لنین طی سی سال مبارزه انقلابی در راه آزادی و سعادت کارگران و زحمتکشان جهان، توانست صدها حلد کنگسایو درازان مقاله بنویسد، او از این طریق جمعندی تحارت اولی انقلاب سوسیالیستی جهان را در اختیار

آینده قرارداد و راه مبارزه کارگران و زحمتکشان را به نحو قابل ملاحظه ای روشن ساخت.

آن چیزی که شخصیت لنین را از سایر اسخاص متمایز می سازد، اساساً زرفایستش مارکسیستی و اخلاقت او در پیاده کردن مارکسیزم است. لنین مارکسیست کبیری است که با اخلاقت خویش، مارکسیزم را در راه ارتسا طها تغییرات اقتصادی و اجتماعی جهان تکامل بخشیده اس و راه سوسیالیزم را با رهبری پیروزمندان انقلاب سوسیالیستی اکثر، هموار ساخته است.

در آن زمان که هنوز هیچ کشور سوسیالیستی، وجود نداشت، لنین می گفت:

"راه ما درست است و این همان راهی است که تمام کشورها یکی پس از دیگری بطور قطع در آن گام خواهند نهاد."

از لنین بیاموزیم

ما به شکل گروه فشرده کوچکی در راهی برابری نگاه و دشوار دست بکندگر را محکم گرفته و به پیش می رویم. دشمنان از هر طرف ما را در محاصره گرفته اند و نغریبها همیشه باید از زیر آتش آنها بگرییم اتحاد ما بنا بر تصمیم آزادانه ما است تصمیمی که همانا برای آن گرفته ایم که با دشمنان بیکار کنیم و در منجلاط محاورمان در منجلاط که سکنه این از همین آغاز ما را به علت اینکه بصورت دسه خاصی محرازنده نه طریق مصالحه بل طریق مبارزه را برگزیده ایم. سرزنش نموده اند و حالا از میان ما بعضی ها فریاد می کنند به این منجلاط برویم. وقتی هم که آتش را سرزنش می کنند به حالت اعتراض می گویند شما عجب مردمان عجب مانده ای هستید. خجالت نمی کنید که آزادی ما را برای دعوت شما به راه بهتری نمی کنید؟ آری، آقاسان، شما آزا بد نه تنها دعوت کنید بلکه هر کجا هم دلنان می خواهید بروید ولو آنکه منجلاط باشد. ما معذبه هم که جای حقیقی شما هم همان منجلاط است و برای نقل مکان شما به آنجا حاضریم در حد توانائی خود کمک نمائیم ولی در این صورت افلا دست از ما بردارید و به ما نجسید و کلمه بزرگی آزادی را ملوث نکنید زیرا که آخر ما هم "آزادیم" هر کجا می خواهیم برویم و آزادیم به فقط علیه منجلاط بلکه هر کس هم که راه را به سوی منجلاط کج می کند، مبارزه نمائیم. "چه باید کرد"



کارگران جهان متحد شوید

درباره لنین شخصیت های مختلفی اظهار نظر کرده اند



عکسی از لنین در سال ۱۹۱۰

لنین عقاب است کوهی، که در مبارزه ترس به خود راه نداده با کمال شجاعت جنبش انقلابی روس را به حلو هدایت کرد. استالین

استالین چنین گفته است: من انقلابی دیگری را نمی شناسم که بتواند منتقدین از خود راضی "هرج و مرج انقلاب" و "اعمال هرزه و خودسرانه توده ها" را با بی امانی لنین شلاق کش کند. اندرز دائمی لنین این بود که از توده های بیاموزیم یکی از مهم محفلهای لنین در خاطراتش نوشته است: "در وجود ایلینج به نحو شگفت انگیزی سادگی، دقت حساسیت و شادی باقتنات، دانش عمیق منطق کوبنده و قضاوت روشن جمع بود". رومن رولان درباره لنین نوشته است: "من هیچگاه بالنین و بلشویسم روسی موافق نبوده ام... ولی درست بدلیل اینکه برای شخصیت های بزرگ ارزش عظیمی قائم، حد اعلا مفتون لنین شده ام. من شخصیتی پرتوان تر از او در اروپای قرن ما نمی شناسم. هیچ گاه تاکنون بشریت حکمرانی برافکار مردم با چنین بی غرضی مطلق نیافریده است. از لنین: "هرگز در کار از چیز کوچک چشم نیوشید، چون از خرد است که کلان بر می خیزد". "مارکسیزم از آن جهت پرتوان است و عالمگیر که بیانگر حقیقت است و آرزوهای انسانی بشریت را تحقق می بخشد".

"کارگران متفرق هیچ چیز نیستند و کارگران متحد و متشکل همه چیزند". از استالین: "هنگامی که رفیق لنین ما را ترک می کرد به ما وصیت کرد که با تمام قوا اتحاد کارگران و دهقانان را مستحکم سازیم. سوگند یاد می کنیم به رفیق لنین که این وصیت تو را هم با شرافت انجام دهیم". استالین به زنان کارگرو زنان دهقان: "رفیق لنین به زحماتشان آموخت که باید از مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داران داخلی و خارجی پشتیبانی کرد. زنان کارگر و زنان دهقان این وصیت لنین را با خاطر بسیار بد و از طبقه کارگر که زندگی نوینی می سازد پشتیبانی کنید. نماینده هندوستان در دفتر خاطرات دومین کنگره کمیته ترن نوشته است: "لنین شریفترین نماینده بشریت است". براون "BROWN" اسقف امریکایی نیز چنین اظهار داشته است: "میلیونها مردمی که علاقه به سوسیالیزم ندارند، عمیقاً مفتون لنین شده اند. به نظر من او بزرگترین تمام انسانهایی بوده است که تاکنون زیسته اند".

مایاکوفسکی

بخشی از شعر

لنین

بر فراز جنگل جهانی دودکش کارخانه ها
"میدان سرخ" عظیم (۱)
همچون پرچم غول آسائی
که میلیونها دست چوبه آن را می فشارد
باشکوه تمام در آسمان موج می زند و در اهتزاز است،
و از این پرچم
از لابلای هر چین و شکن آن
لنین
زنده همچون همیشه
فریاد می زند:
"کارگران
برای نبرد نهائی آماده شوید.
برندگان
زنان و کمربند را راست کنید.
ارتش پرولتاریا
با همه نیروی خود به پا خیزید.
زنده باد انقلاب
بزرگترین و منصفانه ترین همه جنگ ها
در سرتاسر تاریخ"

۱- آرامگاه لنین در "میدان سرخ" مسکو قرار دارد

اخبار خارجی

تفسیری بر اخراجات پی در پی کارگران صنایع فولاد

از یک سال پیش به این طرف کارگران صنایع فولاد فرانسه پی در پی از کار اخراج می شوند. طرحهای مختلفی که از سوی صاحبان صنایع فولاد و دولت برای سود بیشتر سرمایه داران به اجرا گذاشته شده تاکنون منجر به اخراج دهها هزار نفر از کارگران این بخش صنعتی شده است. یکی از این طرحها، نوسازی ماشین آلات و تکامل تکنیک کارخانه ها برای استفاده کمتر از نیروی کارگران است. این امر بمنظور رقابت با سایر تولید کنندگان جهانی فولاد و بدست آوردن سود بیشتر انجام گرفته است. دولت فرانسه طی چند سال گذشته از محل درآمدهای عمومی و مالیاتیکه از مردم می گیرد، میلیاردها فرانک به صاحبان صنایع فولاد بصورت وامها و کمک های بلا عوض پرداخت کرده است. در نتیجه این اقدامات، تولید و سود کارخانه ها روز بروز بیشتر شده، در حالیکه همزمان با آن هزاران کارگر بیکار شدند. اما همانطوریکه در اخبار چند هفته اخیر دیده ایم کارگران در مقابل این اقدامات ضد کارگری سرمایه داران دولت خاموش نمانده اند و بطور بیکارچه و متشکل و بطور وسیعی دست به

اعتراض و اعتصاب زده اند. نقطه اوج این اعتراضات، راهپیمایی صدها هزار نفری کارگران بود که به حمله پلیس و درگیری و زد و خورد کشیده شد و در پایان چندین زخمی بجا گذاشت. دولت فرانسه که از حرکت سرمایه داران مقرررات شدیدی برای جلوگیری از به اصطلاح "آشوب" وضع کرد. بنابراین مقررات ضد دمکراتیک کارگران، روشنفکران و سازمانها و احزاب مترقی فرانسه روبرو شده است. تظاهرات شدت محدود است.

اعتصاب خدمه کشتی در فرانسه

کارگران کشتی های باری و مسافر - باری فرانسه به منظور اعتراض به اخراج کارگران و کارکنان به مدت ۴۸ ساعت دست به اعتصاب زدند. کارگران همچنین خواستهای دیگری در زمینه سن بازنشستگی و کار جوانان مطرح کردند

اطلاعیه درباره چاپ و انتشار آثار کتب

بدنبال مراجعه مکرر برخی از دوستان و خانواده های شهدا در رابطه با مطالب برخی آثار و کتب منتشره به نام سازمان چریکهای فدائی خلق، لازم می دانیم برای روشن شدن افکار عمومی به اطلاع برسانیم که:
۱- کتابهاییکه قبلاً به نام این سازمان منتشر شده اکثر از طرف هواداران و پاناشین مختلف بوده که بدون توجه به نظرات و مواضع این سازمان اقدام به چاپ آثار کرده اند. در برخی موارد هم صرفاً برای سود جویی از نام سازمان ابتکار صورت گرفته است. از آنجائیکه این کتابها قبل از چاپ مورد بررسی و بازبینی سازمان قرار نگرفته، بنابراین می تواند حاوی مطالبی باشد که مورد تأیید سازمان نیست.
۲- در برخی از آثار سازمان اظهار نظرهایی در مورد عده ای از رفقا و خانواده ها داشته اند. هاشان وجود دارد که در حال حاضر نمیتواند تمام آنها مورد تأیید سازمان

باشد، زیرا آن اظهار نظر در شرایطی صورت گرفته که ارتباط لازم با زندان و اطلاعات کاملتر وجود نداشته است. به عنوان مثال اظهار نظر در مورد رفیق عبدالله اندوری در کتاب خاطرات یک رفیق و با اظهار نظر در مورد خانواده رفیق شهید پوران بداللهی در کتاب یادنامه شهدا در سال ۵۱ و در مورد رفیق ابراهیم دل افسرده در کتاب های تحول و تکامل سازمانهای پیش از و پیش از هنگ و کتاب ۹ چریک از آن جمله اند. برای برطرف شدن سوء تفاهم ها در صورت مراجعه به ستاد سازمان توضیحات کافی داده خواهد شد.
۳- در آینده آثار و کتب سازمان با شکل و فرم مخصوص زیر چاپ و منتشر خواهد شد. بنابراین آثار و کتبی که به اینصورت چاپ نشود از طرف سازمان و مورد تأیید سازمان نخواهد بود.



نقدی بر...

از انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق
سها... ریال

اعتصاب رانندگان کامیون آمریکا - در هفته گذشته رانندگان کامیون در آمریکا با خطر افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب شش روز طول کشید و به بخشهایی از اقتصاد آمریکا مخصوصاً صنایع اتومبیل سازی لطمه زد. طی مذاکراتی که سنسندیکای رانندگان کامیونها و کارفرمایان انجام گرفت، دستمزد ها به میزان ۷٪ افزایش و اعتصاب با موفقیت پایان یافت.
اعتصابهای گسترده اقتصاد ایرلند رافلج کرده است
ایرلند - دوبلین - اعتصابهایی که از دو ماه پیش در پست و تلگراف و تلفن در جمهوری ایرلند، آغاز شده هنوز ادامه دارد. در نتیجه این اعتصابها مکاتبات کاملاً قطع شده و خدمات تلفنی نیز به حداقل رسیده است. از طرف دیگر، اعتصاب در موسسات عمومی حمل و نقل و همچنین اعتصاب باراندازهای بندر دوبلین، اختلالهای شدیدی بوجود آورده که خطر کمبود نفت و فلج شدن کامل صنایع را بدنبال دارد.
کارگران و کارکنان اعتصابی بطور عمده خواستار افزایش دستمزدها هستند.
نخست وزیر ایرلند طی پیامی از سندیکا ها خواست که به دولت فرصت کافی برای رسیدگی به مطالبات بدهند. ولی بشهادت نخست وزیر از طرف سندیکاهای کارگری رد شده است.



حقایق درباره حوادث گنبد

بقیه از صفحه ۱

طباطبائی استاندار مازندران (کیهان، هشت فروردین):

ما عقیده داریم که عوامل ساواک و برخی منتقدان و احتمالاً زمینداران بزرگ به این ماجراها دامن می زنند از جمله اطلاعات رسیده حاکی است که هژبر یزدانی و ابولفتح آتابای از وابستگان نزدیک به دربار شاه سابق در منطقه دیده شده و عوامل آنها متصدد دخالت در مسائل جاری مردم بوده اند

آیت الله طالقانی (کیهان، اول اردیبهشت):

"بودن فرزندانم در روز روشن... برای من نگرانی آورده و احساس کردم همان کبریت هائی که در سنجق منشاء اشتعال شد و در گنبد، از اینجا این برنامه ها شروع شده..."

در بین پاسدارها و کمیته ها اشخاص غیر مسئول خصوصاً در این چند هفته اخیر خودشان هم اعتراف دارند رخنه کرده کارهائی انجام دادند... ما دیدیم در قضیه گنبد یک عده ای با اخلاص وعده ای هم افسراد مشکوک (به آنجا رفتند) عده ای، جوانهائی کشته شدند در آنجا و بعد که برگشتند معلوم شد از بعضی کمیته هائی بوده که فرعی و غیر مسئول بودند..."

از تلگرام مردم بندر ترکمن به امام (اطلاعات، ۲۰ فروردین):

با کمال تأسف و تأثر کشتار بی رحمانه ای در منطقه گنبد کاووس به تحریک و خرابکاری عوامل ضد انقلابی که در کمیته انقلاب اسلامی به نام پاسدار آمده اند و در اثر خطای نابخردانه آنها در قبال خواسته های برحق خلق ترکمن آغاز شده که منجر به قتل و جرح عده ای از افراد بیگناه ترکمن گردیده و هنوز هم با قساوت و شقاوت تنفر آمیز ادامه دارد. قاطب... مردم بندر ترکمن ضمن ابراز تنفر از وقوع چنین اعمال نابخردانه و موزورانه که از ناحیه عده ای بنام اعضا کمیته اسلامی گنبد کاووس بر علیه خلق ترکمن صورت گرفته تقاضای نمائیم هر چه زودتر ضمن مجازات مسببین اقدام لازم درباره رفع این برادر کشی مبذول داشته، نسبت به تأمین خواسته های برحق خلق ترکمن اقدام مقتضی معمول دارند.

از تلگراف گروهی از روحانیون و معتمدان ترکمن به نخست وزیر و

آیت الله طالقانی (آیندگان، ۱۴ فروردین)

احتراماً اطلاع دارند دولت در اثر سمپاشی ماهرانه حجت الاسلام "امید" و تبلیغات و تحریکات عمال ساواک و دسیسه غاصبین رژیم طاغوتی که خود را در قالب انقلابیون جلوه می دهند سبب شده پاسداران و سربازان ارتش راه جان مردم مسلمان زجر کشیده ترکمن در گنبد کاووس بپندارند که بی رحمانه به کشت و کشتار مشغول می باشند... آیا نتیجه و جواب خواسته های مشروع مردم مسلمان ستم دیده ترکمن از ترمه انقلاب اسلامی همین برادر کشی با گلوله است؟ آقای نخست وزیر! رژیم استبداد و جبار زمینهای ما را با زور و شکنجه گرفته بود، نه اینطور با فرستادن فانتوم و کشت و کشتار جابرانه. آیا مفهوم آزادی در زیر پرچم انقلاب اسلامی اینگونه خونریزی خواهد بود؟ لذا استرحاماً استدعا داریم انصاف کرده - عاجلاً پاسداران و سربازان خود را فراخوانده جلوی این برادر کشی را بگیرند.

حضرت مولوی عبدالعزیز - پیشوای مذهبی برادران اهل تسنن سیستان و بلوچستان - رهبر حزب اتحاد المسلمین (کیهان، ۱۵ فروردین)

تحقیقات ما (هیئت همراه ایشان) نشان می دهد که شروع این درگیریها به سبب تحریکات ساواکی و بعضی افراد بی تجربه کمیته شهرستان گنبد آغاز شده است و موضوع نیز به مردم اینگونه تفهیم شده است که این خاصه دعوی شیعه و ثنی است... برادران ترکمن باید کاملاً بیدار و هشیار باشند که گول اجانب و یادی استعمار گرو ماجراجو آن گروید از فئودالهای سابق را که منافعشان به خطر افتاده است نخورند.

حبیب الله خشنودی ساوکلای، فرماندار جدید گنبد (پس از برکناری فرماندار قبلی) (پیغام امروز، ۱۸ فروردین):

جنگ در ترکمن صحراً تحمیلی و قابل اجتناب بود. تضاد موجود در کمیته ها کارها را دشوارتر می نمود.

کوروش کاکوان، عضو کمیسیون حقوق بشر (پیغام امروز، ۱۹ فروردین)

در گرگان خیابانها در دست کمیته ها بود و مردم احساساتی و تحریک شده برای سرکوبی "اسرار" راه افتاده بودند... برای جلوگیری از فحاح دست به دامان آیت الله زنجانی شدم - او که مردی روحانی و

وارسته است گفت:

"به حرف من کسی گوش نمی دهد..."

بالاخره در منطقه ترکمن نشین به سراغ هیئت اعزامی دولت رفیقیم و بارسولی رئیس هیئت گفتگوهای موثری داشتیم. رسولی می گفت:

"من فقط وقتی که پیش ترکمن ها هستم احساس ایمنی می کنم و نگرانی من اینست که وقتی پیش ترکمن ها هستم از پشت به من شلیک شود."

تیم های ساواک که به همراه پاسداران به خط دفاعی ترکمن ها حمله می کردند وقتی پاسدارهای نا آشنا به موقعیت از شهرهای مختلف می آمدند جلوتر می رفتند، ساواکیها آنها را به گلوله می بستند. کسانی که از پشت تیر خوردند کم نیستند. من یک ساواکی را دیدم که به "یوزی" مسلح بود و در کمیته فعالیت داشت. او که "فتح الله دارایی" نام دارد از دستیاران "عضدی" شکنجه گر معروف است. وقتی با مسئولان کمیته موضوع را مطرح کردند گفتند آشنا و قابل اعتماد است. اما استاندار متعجب شد و گفت قضیه را دنبال می کند.

از آنجاکه موج تبلیغات شدید ضد چریکهای فدائی خلق بصورت های بسیار کثیف و بی شرمانه در آمدن اطمینان و قاطنیت اعلام میداریم که چریکهای فدائی خلق هیچگونه دخالت جنگی نداشتند. تنها یک گروه پر سکی از طرف فدائیان خلق به باری ترکمنها فرستاده شد که این اقدام انسانی در آن شرایط دشوار شایان هرگونه ستایشی است. حمله به سازمان چریکهای فدائی خلق توسط دشمنان انقلاب به منظور انحراف توجه مردم ایران از خواسته های برحق خلق ترکمن و به قصد سرپوش گذاشتن به روی علل واقعی فجایع گنبد و ترکمن صحرا صورت می گیرد که متأسفانه توسط عده ای از هموطنان با حسن نیت ولی نا آگاه ما دامن زده می شود.

چنانچه عاملین حقیقی وقایع به دقت شناسائی و با قاطعیت سرکوب نشوند صورت ریشه های سرطانی بازماندگان رژیم سابق و عوامل ارتجاع انقلاب و حتی موجودیت ملی ما را به مخاطره خواهند افکند.

منصور گرگانی، نماینده دولت در مورد رسیدگی به اوضاع گنبد (پیغام امروز، ۱۹ فروردین):

جنگ قابل اجتناب بود و اگر اشتباهات کمیته اسلامی نبود هیچگاه اینهمه خونریزی نمی شد. هیچ مدرکی هم در مورد دخالت چریکهای فدائی در جنگ گنبد وجود ندارد مگر اینکه عده ای از زمینداران ترکمن هوادار سازمان چریکهای فدائی بودند همانطور که عده ای از زمینداران ترکمن می توانستند مثلاً هوادار جنبه ملی باشند و با اصولا هوادار هیچ سازمانی نباشند.

از گزارش مشترک هیئت اعزامی کمیسیون حقوق بشر، جمعیت حقوقدانان ایران و کانون وکلای دادگستری (آیندگان، ۱۹ فروردین):

هیئت اعزامی علل و انگیزه های ذیل را عامل اصلی بروز حوادث گنبد تشخیص و به شرح ذیل اعلام مینماید.

- ۱- تحریک و دامن زدن به اختلافات ترکمن ها و ترتیب تظاهرات به طرفداری از قانون اساسی به وسیله روحانی نمایان مرتجع اهل سنت از جمله "آناقلیح" آخوند نقشبندی و وابستگان وی.
- ۲- تشکیل یک جانبه اعضا کمیته بدون حضور ترکمن ها و مرکب از برخی افراد ناصالح.
- ۳- نفوذ عوامل مزدور رژیم سابق و زمینداران بزرگ و فرصت طلبان در کمیته امام.
- ۴- انتصاب آقای مادر شاهی به سمت فرماندار گنبد که برای احراز این سمت از صلاحیت لازم برخوردار نبوده است.
- ۵- بی تجربگی و ناآگاهی پاسداران انقلاب و دامن زدن به خونریزی با حمله به منازل ترکمن ها، کشتار و گروگان گرفتن آنها.
- ۶- وجود عوامل ساواک و بقایا و وابستگان رژیم منحل سابق در بین پاسداران انقلاب و نقش مکرر آتش بس از طرف آنها و تحریک طرفین درگیر به ادامه تیراندازی.
- ۷- قضاوت و بررسی غرض آلود به وسیله هیئت اعزامی نخستین.

ولی محمد ارزانی - از روحانیون ترکمن (پیغام امروز - ۲۰ فروردین)

وقتی "کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن" بوجود آمده ای از روحانیون مرتجع ترکمن که همیشه عامل سرمایه داران بوده اند اعلامیه ای منتشر کردند که در واقع این کانون را تکفیر نمودند. در صدر آنها حاج آناقلیح نقشبندی می باشد. زمینداران بزرگ مبارزه خود را با این کانون از طریق این آخوندهای مرتجع انجام می دادند و شایع کردند که این خلق ترکمن نیست که مبارزه می کند بلکه عده ای کمونیست میباشند. هدف اینها خفه کردن مردم از طریق مذهب بود که موفق نشدند... جنگ به تحریک زمینداران بزرگ و کمیته اسلامی گنبد شروع شد و علت آن هم -

بوسنیت شناختن...

بقیه از صفحه ۲

بایدول خارجی، پول و پرچم، قوانین اساسی و مصوبات مجلس شورای ملی همه خلقهای ایران تابع دولت مرکزی و تشکیلات سراسری خواهند بود. هم اکنون خواسته های خلق کرد و ترکمن و... که توسط خود آنها مطرح گردید چیزی جز رفع ستم ملی و حق تعیین سرنوشت نیست.

طرح هشت ماده ای خلق کرد کم و بیش از جانب خلقهای ترکمن هم بیان گردیده متضمن مسائل زیر است:

رفع ستم ملی و تأمین حق تعیین سرنوشت خود بصورت "فدراتیو" در چهار چوب کشور ایران، رد اتهام تجزیه طلبی، رفع ستم اقتصادی یعنی از بین بردن تمام موانعی که مانع رشد و پیشرفت اقتصادی است، اداره پارلمانها تحت نظر شورای انقلابی، ایجاد یک کمیته مشترک نظامی از افسران میهن پرست و نمایندگان شوراهای انقلابی و تبدیل ارتش ارتجاعی به ارتش خلقی در اینجا می بینیم که خواسته های خلق کرد و سایر خلقها حق خود مختار یا "فدراتیو" در چهار چوب کشور ایران است و صرفاً هر نوع اتهام تجزیه طلبی را که دشمنان انقلاب و عوامل امپریالیزم شایع می کنند رد کرده اند. سازمان ما از این خواسته های به حق کاملاً پشتیبانی می کند.

خلاصه کنیم:

حقوقیت حقوق ملی خلقها ما را بر آن میدارد که از حقوق ملی و دمکراتیک آنها دفاع کنیم. بنظر ما هر نوع پوششی که برای نادیده گرفتن این حقوق به عمل می آید گامی در جهت ادامه ستم ملی به خلقها بوده و ما این کوششها را محکوم می کنیم. ایجاد ایرانی آزاد و دمکراتیک بدون تأمین حقوق ملی و دمکراتیک خلقهای ایران مسر نخواهد بود.

مقابله با خواست های خلق ترکمن بود.

جبهه دمکراتیک ملی ایران - (پیغام امروز

۲۱ فروردین):

این روزها ما شاهد حوادث گوناگون و تأسف باری هستیم. مردم ترکمن به تحریک عوامل رژیم پیشین و بدست برادران مسلمان خود یعنی پاسداران به قتل می رسند و خانواده ها بی خانمان می شوند. رادیو و تلویزیون به "حوی آگاهانه و علنی" بی هیچ خجالت و پرده پوشی، به برادر کشی ها دامن می زند و سازمان های انقلابی را مسئول معرفی می کند، در حالیکه نمایندگان کمیسیون حقوق بشر کانون وکلا و جمعیت حقوق دانان پس از مشاهده صحنه ها از نزدیک این قضاوت را کاملاً مردود دانسته اند...

ما با صدای بلند اعلام خطر می کنیم که ادامه فعالیت های خود سزانه برخی از کمیته ها، ایراد اتهام های ناروا به سازمان های انقلابی، تشکیل اجتماعاتی که به روح دمکراسی اعتقاد ندارند، ادامه وضع رادیو تلویزیون در ایجاد آشوب و هرج و مرج، بی خبر نگاه داشتن مردم از وقایع کشور و بالاخره، از همه مهمتر، بی توجهی به حقوق و خواسته های حقه کارگران و واگذار کردن حل مشکل آنها به کمیته ها این جامعه را دچار چنان آشوبی خواهد کرد که علیرغم پیروزی بزرگ در فراندم، رژیم به مراتب مستبدتر از رژیم سابق را بر کشور حکمفرما خواهد ساخت. با ادامه چنین وضعی این کشور روی آزادی و دمکراسی را نخواهد دید و اداره آن نه دست کسانی خواهد افتاد که اسلحه بدست گرفته و در تعقیب مخالفین فکری خویشند...

آموزشی

درباره حزب طبقه کارگر

(۲)

در شماره قبل چگونگی استثمار کارگران را توسط سرمایه داران و بازرگان بودن مبارزه بین این دو طبقه استثمار کننده و استثمار گر توضیح دادیم و نشان دادیم که طبقه کارگر نمی تواند تغییر اساسی در زندگی خود به وجود بیاورد و نمی تواند خود را از شر تمام بدبختی ها نجات دهد، مگر آنکه سرمایه تمام بدبختی های یعنی مناسبات سرمایه داری را تغییر دهد. مناسبات مالکیت خصوصی بروماتل تولید را لغو کند و مالکیت اجتماعی بروماتل تولید یعنی مالکیت تمام زحمتکشان بر وسائل تولید را جایگزین مالکیت خصوصی بروماتل تولید کند. و بازم نشان دادیم که برای انجام چنین امر مهمی کارگران مجبورند، تشکیلات سیاسی مستقل خود یعنی حزب طبقه کارگر را بوجود بیاورند. در این شماره می خواهیم درباره خصوصیات حزب طبقه کارگر بیشتر صحبت بکنیم و توضیح بدهیم که چرا بوجود آمدن تشکیلات مستقل سیاسی پرولتاریا (حزب طبقه کارگر)، نقطه عطفی بنیادی در تاریخ جهان است.

سازمانهای شورشی مختلف شده که محدود به مناطق طبقات بود و تشکیلات سیاسی-بازار نبود. این سازمانهای شورشی فقط جنبه نظامی داشت و به یک منطقه خاص و زمان خاص محدود می شد. پراکندگی سازمان هادر سرزمین-های وسیع، علوم ارتباط بین آنها فقدان تئوری انقلابی بعلت سطح پایین تکامل تکنیک و علم و فرهنگ جامعه این امکان را به دهقانان (و بطریق اولی به برده ها)، نماند که اولاً هدفهای خود را بطور روشن تشخیص دهند و ثانیاً مشکل شوند و تشکیلات سیاسی بوجود آورند و ثالثاً تمام افراد یک طبقه در سرتاسر یک مملکت متحد شوند. آنان در لحظه های بحرانی که زندگی شان دیگر غیر قابل تحمل می شد، دست به شورش می زدند که معمولاً این شورش ها در یک منطقه محدود می ماند و به سایر نقاط سرایت نمی کرد و از رهبری آگاهانه و تشکیلات محکم بی بهره بود. در نتیجه تنها و منفرد می ماند و سرکوب می شد.

رشد سرمایه داری و به وجود آمدن طبقه کارگر، تغییرات اساسی به همراه داشت. از یک طرف با پیشرفت علم و تکنیک و فرهنگ، زمینه تدوین تئوری انقلابی مهیا شد. از طرف دیگر با ایجاد کارخانه ها تعداد زیادی از کارگران در زیر یک سقف جمع شدند. با گسترش راهها و توسعه تجارت و مبادله، مناطق مختلف به هم متصل شدند و ارتباط سراسری کارگران ممکن شد. بدین ترتیب که طبقه کارگر بصورت یک نیروی مستقل، سیاسی درآمده که قادر بود از طریق مبارزاتش در پیشاپیش توده های زحمتکش روابط اجتماعی را بطور اساسی دگرگون کند و استثمار انسان از انسان را نابود کند. با تدوین تئوری انقلابی و تشکیل حزب طبقه کارگر مبارزات رهایی بخش توده های زحمتکش دستخوش تغییر بنیادی شد. پرولتاریا گروههای مختلف توده های زحمتکش و روشنفکران پیشرو را بطرف خود کشید. طبقه کارگر دهقانان در جریان مبارزه متحد شدند. شرایطی ایجاد شد که مبارزه همه زحمتکشان به رهبری طبقه کارگر و حزب سیاسی آن، می توانست پیش برود و موفق به محسوس و نابودی استثمار و ستم شود. شرایط تاریخی ای آغاز شد که جنبش ستم دیدگان به رهبری طبقه کارگر و حزب سیاسی آن می توانست دیگر دنباله روطبقات استثمار گر نباشد. مارکس در این باره می گوید: " جنبش هایی که تاکنون وجود داشته یا جنبش اقلیتها بوده یا بسودا اقلیت ها انجام گرفته است، جنبش "آگاه" پرولتاریا، جنبش مستقل اکثریتی عظیم است که بسود اکثریت انجام می پذیرد.

از زمانیکه طبقات (یعنی استثمار گر و استثمار شونده) بوجود آمد، مبارزه بین استثمار شوندهگان و استثمار کنندگان هم آغاز شد. در طول تاریخ همواره استثمار شوندهگان علیه استثمار کنندگان مبارزه کرده اند. ولی این مبارزات تا قبل از پیدایش طبقه کارگر نتوانست ستکشان را از بند استثمار برهاند. مادر تاریخ بیاد داریم که چگونه برده ها عورش کردند و باعث بروز جنگهای داخلی شدند. ولی آنها نتوانستند تشکیلات سیاسی به وجود آورند که مبارزه آنها را رهبری کند و قادر نبودند که هدفهای خود را به روشنی تشخیص دهند و بنابراین حتی در انقلاب بی ترین لحظات هم، همیشه آلت دست طبقات استثمار گر بودند. بزرگترین قیام برده ها که در کشور روم و به رهبری شخصی به نام اسپارتاکوس به وقوع پیوست، فقط توانست یک سازمان نظامی ایجاد کند که این سازمان نظامی هم بعد از آنکه سرکوب شد، از هم پاشید برده ها اگر هم در نقاطی به پیروزی می رسیدند، ارتباطشان با سایر نقاط بقیه برده ها قطع می شد و توسط نیروهای نظامی برده داران سرکوب و تارو-مار می شدند.

مبارزات دهقانان (رعیت ها) و جنگهای دهقانی گرچه نسبت به شورش های برده ها در مرحله بالاتری قرار داشت ولی باز هم دهقانان نتوانستند تشکیلات سیاسی خود را به وجود بیاورند. اقدامات انقلابی و همزمان توده های دهقانی، منحصر به ایجاد

خصوصیات حزب طبقه کارگر همان خصوصیات انقلابی طبقه کارگر است هدف نهائی این حزب، نابودی استثمار انسان از انسان است. چرا که طبقه کارگر نمی تواند خود را از بند استثمار برهاند مگر اینکه استثمار را بطور کلی محو و نابود سازد. در آینده درباره خصوصیات حزب طبقه کارگر بیشتر سخن خواهیم گفت. کارگران به برکت تجمع خود در کارخانه ها و ارتباط سرتاسری شان توانستند مشکل شوند و با نفوذ تئوری انقلابی در میان کارگران، جنبش آگاهانه کارگری بوجود آمد. کارگران توانستند خواستهای و هدفهای خود را تشخیص دهند و تشکیلات سیاسی مستقل و خاص خود و اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری را ایجاد کنند. در یک کلام صف مستقل و متشکل خود را تشکیل دهند. لنین رهبر کبیر و آموزگار کارگران جهان درباره تکامل تاریخی تشکیلات سیاسی طبقات استثمار شونده می گوید " تنها در نظام سرمایه داری بود که در سایه فرهنگ شهری، طبقه پرولتاریا محروم توانست خود آگاهی پیدا کند و جنبش جهانی طبقه کارگر راه وجود آورد. میلیونها نفر کارگر در احزاب سیاسی

یعنی در احزاب سوسیالیستی که هشیارانه، مبارزه توده ها را رهبری می کنند. " گرچه بورژوازی فقط برای کسب سود بیشتر و استثمار بیشتر کارگران بود که به ترقی علم و تکنیک و ایجاد کارخانه ها و گسترش راهها و غیره اهمیت می داد، ولی همین امر موجب گسترش طبقه کارگر و رشد زمینه های سرنگونی بورژوازی شد. بعبارت دیگر بورژوازی گورکن خود را به دست خود به وجود آورد. پیروزی های عظیمی که مر دم زحمتکش در عصر حاضر به دست آوردند در دوره ایست که طبقه کارگر نیروهای خود را تقویت کرده، از وجود خود بعنوان یک طبقه آگاهی پیدا کرده و تشکیلات سیاسی خود را ایجاد کرده است. تشکیلات سیاسی ای که توانائی و کفایت آنرا دارد که در مبارزات توده ای رهبری آگاهانه ای بعهده بگیرد. تنها به وجود آمدن تشکیلات سیاسی طبقه کارگر و ادامه مبارزه آن زیر پرچم ایدئولوژی (این طبقه) بود

ارتش ملی! با ارتش شاهنشاهی چه فرقی کرده

سند زیر پاسخ روشنی به سؤال بالاست و احتیاج به تفسیر ندارد. متن این بخشنامه برخورد فرماندهان ارتش با سازی شده " را نسبت به شورا های انتخابی افسران و سربازان نشان میدهد. این شوراها نهاد های دمکراتیکی هستند که میتوانند دستاورد انقلاب مردم در ارتش باشند. اما بطوریکه می بینیم وجود آنها با روحیه فرماندهان ارتش ملی سازگار نیست!

از: مرکز پشتیبانی لجستیک تهران (پرسنلی)

به: کلیه یگانهای تابعه

درباره: اساسنامه

بدینوسیله تعداد ۱ برگ فتوکپی اساسنامه شورا بیبوست

فرستاده میشود با نکرش به اساسنامه مزبور از تاریخ صدور این نامه هیچ شورائی در یگانها و دوایر تابعه تشکیل نخواهد شد و مسئولیت هر یگان بعهده فرمانده آن یگان که تعیین شده است خواهد بود، در صورتیکه یگان یا دوایری فرمانده یا رئیس تعیین نشده است ارشدترین افسر آن قسمت مسئولیت آن یگان را بعهده خواهد داشت. دستور فرمائید اساسنامه و متن این نامه را به کلیه پرسنل آن یگان ابلاغ و بموقع کار بایسته انجام گردان.

فرمانده مرکز پشتیبانی لجستیک تهران - سرهنگ المانی

اعتصاب غذای بازداشت شدگان ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

آبادان - در پی حمله گروهی مسلح از متجمعین و مزدوران سرمایه داران وابسته به ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق در آبادان و دستگیری چند تن از هواداران و غارت اموال و ائانه ستاد، اعلامیه ای از طرف بازداشت شدگان بدین شرح داده شده است:

۱- آزادی کلیه رفقای دستگیر شده بدون قید و شرط، توضیح اینکه قبل از آزادی ما باید بایکی از رفقای دستگیر شده در محل دیگری که در باز -

آبادان - در پی حمله گروهی مسلح از متجمعین و مزدوران سرمایه داران وابسته به ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق در آبادان و دستگیری چند تن از هواداران و غارت اموال و ائانه ستاد، اعلامیه ای از طرف بازداشت شدگان بدین شرح داده شده است:

۱- آزادی کلیه رفقای دستگیر شده بدون قید و شرط، توضیح اینکه قبل از آزادی ما باید بایکی از رفقای دستگیر شده در محل دیگری که در باز -

آزادی در خطر...

فجایع که هر روز خود سرهای آن مرتجعین بار خواهد آورد و روز مینهای برای تبلیغات بی شرمانه آنها فراهم خواهد ساخت. حمله بد فاقان سیاسی سازمانهای سیاسی بار دیگر به وضوح نشان داد که فضای حاکم بر کشور مان مورد تهدید عناصر مشکوک و ناآگاه قرار گرفته است. ما سؤال می کنیم: حمله مسلحانه به تظاهرات آرام مردم، به گلوله بستن تحصن کارگران، نبودن آزادی بیان و اجتماع و اوهانت به مبارزین... آیا این آزادی و امنیت و زندان و شکنجه مبارزین می روند. حاکمیت مردم زکشی است یعنی آزادی؟ از خلق ستم دیده ایران که هنوز سیه شوم دیکتاتوری میهنمان بوسیله مسئولان این همه فحایح چه کسانی هستند؟

اول ماه مه را هر چه باشکوهتر برگزار کنیم